

فهرست

درس ۱:

Sense of Appreciation

۷



Title Page, Get Ready, Conversation

۸	لغات
۱۸	سؤالات امتحانی
۱۴۲	پاسخنامه
۳۴	کتاب کار

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۱۰	لغات
۲۰	سؤالات امتحانی
۱۴۳	پاسخنامه

Grammar, Listening, Writing, What You Learned

۱۱	لغات
۲۴	سؤالات امتحانی
۱۴۵	پاسخنامه

درس ۲:

Look it Up!



۳۷

Title Page, Get Ready, Conversation

۳۸	لغات
۴۵	سؤالات امتحانی
۱۵۵	پاسخنامه
۶۱	کتاب کار

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۳۹	لغات
۴۷	سؤالات امتحانی
۱۵۶	پاسخنامه

Grammar, Listening, Writing, What You Learned

۴۰	لغات
۵۱	سؤالات امتحانی
۱۵۸	پاسخنامه

Title Page, Get Ready, Conversation

۶۶	لغات
۷۴	سؤالات امتحانی
۱۶۷	پاسخنامه
۹۲	کتاب کار

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۶۶	لغات
۷۴	سؤالات امتحانی
۱۶۸	پاسخنامه

Grammar, Listening, Writing, What You Learned

۷۰	لغات
۷۹	سؤالات امتحانی
۱۷۰	پاسخنامه

۹۵

آزمون‌ها



۹۶	• آزمون شماره ۱: سؤالات درس ۱
۱۷۸	• پاسخ آزمون شماره ۱
۱۰۰	• آزمون شماره ۲: سؤالات درس ۲
۱۸۱	• پاسخ آزمون شماره ۲
۱۰۴	• آزمون شماره ۳: سؤالات درس ۳
۱۸۳	• پاسخ آزمون شماره ۳
۱۰۸	• آزمون شماره ۴: سؤالات امتحانی نوبت اول
۱۸۶	• پاسخ آزمون شماره ۴
۱۱۲	• آزمون شماره ۵: سؤالات امتحانی نوبت اول
۱۸۸	• پاسخ آزمون شماره ۵
۱۱۷	• آزمون شماره ۶: سؤالات شبیه‌ساز امتحانی نوبت دوم
۱۹۱	• پاسخ آزمون شماره ۶
۱۲۲	• آزمون شماره ۷: سؤالات شبیه‌ساز امتحانی نوبت دوم
۱۹۴	• پاسخ آزمون شماره ۷
۱۲۶	• آزمون شماره ۸: سؤالات نهایی نوبت دوم (خرداد ۱۴۰۱)
۱۹۷	• پاسخ آزمون شماره ۸
۱۳۱	• آزمون شماره ۹: سؤالات نهایی نوبت دوم (شهریور ۱۴۰۱)
۱۹۹	• پاسخ آزمون شماره ۹
۱۳۶	• آزمون شماره ۱۰: سؤالات نهایی نوبت دوم (دی ۱۴۰۱)
۲۰۲	• پاسخ آزمون شماره ۱۰

پیوست



۲۰۸	لغات پرتکرار نهایی
۲۰۹	افعال
۲۱۲	مکالمات

Lesson 1

Student Book

برای دریافت پاسخ پرسش‌های
کتاب درسی QR-Code روبه‌رو
را اسکن کنید!



Vocabulary

لغات



Title Page , Get Ready , Conversation

• abroad (adv.)	خارج	• found (v.)	تأسیس کردن	• memory (n.)	حافظه، خاطره
• advice (n.)	توصیه	• friendly (adj.)	دوستانه	• might (modal verb)	ممکن است
• a little (adv.)	کمی	• function (n.)	عملکرد	• orally (adv.)	به‌طور شفاهی
• appreciation (n.)	قدردانی، درک	• generous (adj.)	سخاوتمند	• others (adv.)	دیگران
• appropriate (adj.)	مناسب	• go abroad (phr. v)	خارج رفتن	• photograph (n.)	عکس
• behavior (n.)	رفتار	• great (adj.)	بزرگ	• physician (n.)	پزشک
• blood (n.)	خون	• guess (v.)	حدس زدن	• polite (adj.)	مودب
• boost (v.)	تقویت کردن	• have to (v.)	مجبور بودن	• positive (adj.)	مثبت
• brain (n.)	مغز	• hear of (phr. v)	شنیدن درباره	• pressure (n.)	فشار
• catch (v.)	گرفتن	• helpful (adj.)	مفید	• professor (n.)	پروفسور
• careful (adj.)	دقیق، محتاط	• homeland (n.)	وطن	• really (adv.)	واقعاً
• check (v.)	چک کردن، بررسی کردن	• improve (v.)	بهبود یافتن	• regard (v.)	در نظر گرفتن
• close (adj.)	صمیمی	• increase (v.)	افزایش یافتن	• sense (n.)	حس
• cure (v.) (n.)	مدوا کردن، معالجه	• interesting (adj.)	جالب	• spare (v.) (n.)	مضایقه کردن، یدک
• dedicated (adj.)	متعهد، دلسوز	• kind (adj.)	مهربان	• start (v.) (n.)	شروع کردن، شروع
• diploma (n.)	دیپلم	• kindness (n.)	مهربانی	• stay (v.)	ماندن
• disease (n.)	بیماری	• known (adj.)	شناخته‌شده	• strength (n.)	قدرت، توان
• distinguished (adj.)	شناخته‌شده	• lazy (adj.)	تنبل	• such a (det.)	چنین
• donate (v.)	هدا کردن	• life (n.)	زندگی	• successful (adj.)	موفق
• each other (pro.)	یکدیگر	• lives (n.)	زندگی‌ها	• take care of (phr. v)	مراقبت کردن از
• elderly (adj.)	سالمند	• loving (adj.)	محبت‌آمیز	• teenager (n.)	نوجوان
• excuse (v.)	معذرت‌خواستن	• lower (v.)	کم کردن، کاستن	• terrible (adj.)	وحشتناک
• fact (n.)	واقعیت، حقیقت	• match (v. n)	مسابقه، کبریت، جور کردن	• thousand (adj.)	هزار
• famous (adj.)	مشهور، معروف	• medical (adj.)	پزشکی	• textbook (n.)	کتاب درسی
• flu (n.)	آنفولانزا	• medicine (n.)	دارو، پزشکی	• What a pity! (idiom.)	چه حیف!
• following (adj.)	زیر	• member (n.)	عضو		

توضیحی درباره بخش collocation در این کتاب:

سلام و درود!

تا به حال اسم collocation را شنیده‌ای؟! حتماً در زبان شیرین فارسی، اصطلاحات و ترکیباتی مثل: «پدرم درآمده» و «ما از ماست کشیدن» را شنیده‌ای. در زبان انگلیسی به این ترکیبات collocation گفته می‌شود؛ یعنی کلمات همایند یا هم‌نشین. دانستن کلمات هم‌نشین برای دانش آموزان بسیار ضروری است؛ در امتحانات تهابی بخش همدهای از سؤالات «جاگذاری لغات» و «با دانش خود کامل کنید»، از همین نوع اصطلاحات می‌آید. ما در این کتاب، کلی کلمات هم‌نشین آورده‌ایم تا هم دامنه لغات شما را بالا ببریم و هم مشکل امتحانات مدرسه‌ای و تهابی شما را حل کنیم. لطفاً تا این اصطلاحات را یاد نگرفتی تمریناتش را حل نکن! در ضمن اصطلاحات قرمز فراتر از حد کتاب درسی است.



Collocations

• lower one's voice	پایین آوردن صدای خود	• blood pressure	فشار خون	• be born in	متولد شدن در
• elderly people	افراد سالمند	• take advice	پندگرفتن، قبول توصیه	• found a center	تأسیس یک مرکز
• take care of sb	مراقبت کردن از کسی	• improve one's life	بهبودبخشیدن زندگی کسی	• close friend	دوست صمیمی
• brain function	عملکرد مغز	• have a good memory	حافظه خوبی داشتن	• cure sb	معالجه کردن کسی
• match sth with sth	وصل کردن چیزی به چیزی	• the following sentences	جملات زیر	• be regarded as	در نظر گرفته شدن به عنوان
• family members	اعضای خانواده	• team members	اعضای تیم	• teach medicine	تدریس پزشکی
• donate blood	اهدای خون	• donate money	اهدای پول	• oral question	سؤال شفاهی
• appropriate time	زمان مناسب	• positive answer	پاسخ مثبت	• spare no pain	از هیچ کوششی دریغ نکردن
• negative reaction	واکنش منفی	• a loving family	یک خانواده با محبت	• be friendly to sb	صمیمی بودن با کسی
• medical center	مرکز پزشکی	• catch a flu	آنفولانزا گرفتن	• distinguished physician	پزشک برجسته
• catch a bus / train	سوار اتوبوس / قطار شدن	• stay awake	بیدار ماندن	• practice medicine	طبابت کردن
• stay calm	سالم ماندن	• take temperature	دمای بدن کسی را گرفتن	• by the way	در ضمن، راستی
• be sure about	مطمئن شدن درباره چیزی	• sense of appreciation	حس قدردانی	• medical center	مرکز پزشکی
• receive diploma	دریافت دیپلم			• not surprisingly	جای تعجب نیست که
				• receive one's diploma	دیپلم گرفتن
				• as a matter of fact	در حقیقت

دانش آموزان عزیز، نام چهار نفر از افراد مشهور در کتاب دانش آموز ذکر شده و احتمال این که در سوالات نهایی از آن ها استفاده شود خیلی زیاد است. مخصوصاً در پاراگراف نویسی که موضوع درس سوم است. پس این شما و این هم بخش کوچکی از زندگی نامه این مردان بزرگ.

Why are these people important?

چرا این افراد مهم هستند؟

Rizali Khajavi	Hassan Omidzadeh	Jabbar Baghcheban	Abbass Babaee
			

Rizali Khajavi (Dehghan-e-Fadakar) is known as a national hero and his story is taught in Iranian schools. In a cold winter, he took off his coat and tied it to a stick and set it on fire while running toward an express train and screaming danger to draw the train driver's attention to the landslide. The driver managed to stop the train and a tragic accident was prevented.

hero	tie	express	scream	landslide	manage	tragic
قهرمان	گرمزدن	سریع السیر	دادزدن	رانش کوه	توانستن	غم انگیز

ریزعلی خواجهوی (دهقان فداکار) به عنوان قهرمان ملی شناخته شده است و داستان او در مدارس ایرانی تدریس می شود. در یک زمستان سرد، او در حالی که سمت قطار سریع السیر می دوید تا راننده قطار را متوجه رانش کوه بکند کتش را در آورد، آن را به چوب بست و آتش زد. راننده قطار توانست قطار را متوقف کند و از یک تصادف غم انگیز جلوگیری شد.

Hassan Omidzadeh was a devoted teacher who worked in a primary school in a small village in the north of Iran. One day the school caught fire and his 30 students were stuck in the fire. He risked his own life to save the kids. He was severely burnt and struggled with the injuries of the burn wounds for many years. He passed away 15 years after the accident.

devoted	primary	be stuck in	risk	severely	struggle	injury	wound
فداکار	ابتدایی	گیرافتادن	ریسک کردن	به شدت	در مبارزه بودن	جراحت	زخم

حسن امیدزاده معلم فداکاری بود که در یک مدرسه ابتدایی در روستای کوچکی در شمال ایران کار می کرد. روزی مدرسه آتش گرفت و سی دانش آموز او در آتش گیر افتاده بودند. او زندگی خودش را به خطر انداخت تا بچه ها را نجات دهد. او به شدت سوخت و با زخم های ناشی از سوختگی تا سالیان زیادی در مبارزه بود. او پانزده سال بعد از آن حادثه درگذشت.



Jabbar Baghcheban is well-known for opening the first Iranian kindergarten and the first deaf school for Iranian kids. He is the author of the book *Method of Teaching the Deaf* in which he explained his unique method of teaching the deaf, known as 'oral hand alphabet system'. He devoted his life to speech training of Iranian deaf students. There are plenty of Baghcheban schools all across the country now for deaf kids.

opening	kindergarten	deaf	author	unique	speech training	plenty	all across
افتتاحیه	کودکستان	ناشنوا	نویسنده	منحصربه‌فرد	گفتاردرمانی	زیاد	در سرتاسر

جبار باغچه‌بان به‌خاطر تأسیس اولین کودکستان ایرانی و اولین مدرسه‌اشنویان برای بچه‌های ایرانی شناخته شده است. او نویسنده کتاب «روش تدریس ناشنویان» است که در آن روش منحصربه‌فرد تدریس به ناشنویان را، که به عنوان «سیستم الفبایی دستی شفاهی» شناخته شده است، توضیح می‌دهد. او زندگی خودش را وقف آموزش گفتاردرمانی به دانش‌آموزان ناشنوی ایرانی کرد. تعداد زیادی از مدارس باغچه‌بان در سرتاسر ایران برای بچه‌های ناشنوا وجود دارد.

Abbas Babaei is known as one of the greatest war heroes of Iran. He was an Air Force pilot. During the Iran-Iraq war he took part in several successful missions to defend our country. Babaei was martyred when he was returning from one of his missions on the day of Ghorban Feast.

Air Force	war	take part in	mission	martyred	feast
نیروی هوایی	جنگ	شرکت کردن در	مأموریت	شهیدشدن	عید

عباس بابایی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قهرمانان جنگی ایران شناخته شده است. او خلبان نیروی هوایی بود. در طی جنگ ایران و عراق او در چندین مأموریت موفق برای دفاع از کشورمان شرکت کرد. بابایی هنگام بازگشت از یکی از مأموریت‌هایش در روز عید قربان به شهادت رسید.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

• actually (adv.)	در واقع	• hug (v.)	بغل کردن	• rather than (expr.)	در مقایسه با
• aloud (adv.)	با صدای بلند	• keep (v.)	نگه‌داشتن، ادامه‌دادن	• reason (n.)	دلیل
• be angry with (phr. v.)	از دست کسی عصبانی بودن	• kiss (v.)	بوسیدن	• record (v.) (n.)	ثبت، ثبت کردن
• burst (v.)	ترکیدن	• lap (n.)	پا، بغل، دامان، آغوش	• repeatedly (adv.)	به‌طور مکرر
• calmly (adv.)	به‌طور آرام	• later (adv.)	بعداً	• reply (v.)	پاسخ‌دادن
• common (adj.)	مشترک، رایج	• lovingly (adv.)	بالمحبت	• respect (v.) (n.)	احترام، احترام گذاشتن
• comprehension (n.)	درک مطلب	• loud (adj.)	بلند	• second (n.) (adj.)	ثانیه، دوم
• collocation (n.)	همایند، هم‌نشین	• main (adj.)	اصلی، عمده	• shout (v.)	دادزدن
• column (n.)	ستون	• native (adj.)	بومی	• skim (v.)	مرور سریع کردن
• description (n.)	توصیف	• normal (adj.)	نرمال، عادی	• sofa (n.)	مبل
• develop (v.)	توسعه‌دادن	• once (adv.)	زمانی	• sound (v.) (n.)	به نظر رسیدن، صدا
• diary (n.)	دفترچه خاطرات	• page (n.)	صفحه	• spring (n.)	بهار
• feed (v.)	غذادادن به	• pause (n.)	مکث	• starter (n.)	شروع‌کننده
• feeling (n.)	احساس	• pigeon (n.)	کبوتر	• strategy (n.)	استراتژی، راهبرد
• forgive (v.)	بخشیدن	• politely (adv.)	مودبانه	• step (v.)	گام
• generate (v.)	تولید کردن	• practice (v.)	تمرین کردن	• suddenly (adv.)	به‌طور ناگهانی
• generation (n.)	نسل، تولید، ایجاد	• process (n.)	فرایند، جریان	• text (n.)	متن
• grandchild (n.)	نوه	• provide (v.)	فراهم کردن، تأمین کردن	• third (adj.)	سوم
• happen (v.)	اتفاق افتادن	• quantity (n.)	کمیت	• thought (n.)	اندیشه
• heavy (adj.)	سنگین	• quiet (adj.)	آرام		
		• quietly (adv.)	به آرامی		



Collocations

• sit on the sofa	نشستن روی مبل	• on the other hand	از طرف دیگر	• care for sb	مراقب کسی بودن
• shout at sb	دادزدن سر کسی	• quick meal	غذای آماده	• native speaker	گوینده بومی
• sit on one's lap	نشستن روی پای کسی	• do exercise	انجام تکالیف	• main ideas	ایده‌های اصلی
• talk politely	مؤدبانه صحبت کردن	• on the right	در سمت راست	• refer to	اشاره داشتن به
• speak calmly	به‌طور آرام صحبت کردن	• hug sb	بغل کردن کسی	• sound right	درست به نظر رسیدن
• keep a diary	ثبت خاطرات	• feed the pigeons	غذادادن به کبوتران خود	• fast food	فست‌فود
• read a newspaper	خواندن روزنامه	• speak louder	بلندتر صحبت کردن کسی	• make a mistake	اشتباه کردن
• be hard of hearing	سنگین بودن گوش	• burst into tears	ترکیدن بغض	• on the left	در سمت چپ
• read aloud	بلندخواندن	• be angry with	از دست کسی عصبانی بودن	• look for	جست‌وجو کردن
• reading strategy	استراتژی خواندن	• record one's thought	ثبت کردن اندیشه خود	• feel well	حال خوش داشتن
• generate question	ایجاد کردن، ایجاد سؤال	• on a spring morning	در یک صبح بهاری	• hard of hearing	سنگین گوش
• go together	با هم آمدن (همایند بودن)	• open a page	صفحه‌ای را باز کردن	• make mistake	اشتباه کردن
		• heavy rain	باران سنگین	• strong wind	باد قوی (شدید)



Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

• a set of (expr.)	یک سری	• doer (n.)	انجام‌دهنده	• light bulb (n.)	لامپ روشنایی
• accidentally (adv.)	به‌طور تصادفی	• during (prep.)	در طی	• mention (n.) (v.)	بیان، ذکر کردن
• activity (n.)	فعالیت	• education (n.)	آموزش، تحصیل	• moral (adj.)	اخلاقی
• agreement (n.)	توافق، موافقت	• either ... or ... (pro.)	یا ... یا	• on top of (expr.)	بالای
• author (n.)	نویسنده	• elicit (v.)	بیرون کشیدن، استنباط کردن	• ordinary (adj.)	عادی، نرمال
• belong (v.)	تعلق داشتن به	• emotion (n.)	عاطفه	• pancake (n.)	نان شیرینی
• belonging (n.)	متعلقات	• enjoyable (adj.)	لذت‌بخش	• pass (v.)	قبول شدن، گذشتن
• blessing (n.)	رحمت، برکت	• ethic (n.)	اخلاق	• peaceful (adj.)	صلح‌آمیز
• break the vase (phr. v)	شکستن گلدان	• find (v.)	پیدا کردن	• pink (adj.)	صورتی
• bring (v.)	آوردن	• fix (v.)	تعمیر کردن	• poet (n.)	شاعر
• bring up (phr. v)	پرورش دادن، بزرگ کردن	• go back (phr. v)	برگشتن	• poetry (n.)	صنایع شعری
• boring (adj.)	خسته‌کننده	• guideline (n.)	خط مشی	• principle (n.)	اصل
• cancer (n.)	سرطان	• happen (v.)	اتفاق افتادن	• product (n.)	محصول، فراورده
• childhood (n.)	بچگی	• health (n.)	سلامت	• protect (n.)	محافظت کردن
• choice (n.)	انتخاب	• hate (v.)	تنفر داشتن	• proud (adj.)	غرور، افتخار
• collection (n.)	مجموعه	• heritage (n.)	میراث	• quite (adv.)	کاملاً
• combination (n.)	ترکیب	• hope (v.)	امیدوار بودن	• rarely (adv.)	به‌ندرت
• combine (v.)	ترکیب کردن	• housewife (n.)	(زن) خانه‌دار	• regarding (prep.)	راجع به، در خصوص
• comfortable (adj.)	راحت	• hungry (adj.)	گرسنه	• religious (adj.)	مذهبی
• compound (adj.)	مركب	• importantly (v.)	مهم این که، اساساً	• remember (v.)	به خاطر سپردن
• condition (n.)	شرط	• including (pre.)	من جمله، از قبیل	• replace (v.)	جایگزین کردن
• confirm (v.)	تأیید کردن	• inspiration (n.)	الهام	• result (n.)	نتیجه
• contrast (n.)	تضاد، تقابل	• install (v.)	نصب کردن	• rule (n.)	مقررات
• create (v.)	خلق کردن، ایجاد کردن	• interestingly (adv.)	جالب این که	• scientist (n.)	دانشمند
• culture (n.)	فرهنگ	• invent (v.)	اختراع کردن	• serious (adj.)	جدی
• difference (n.)	تفاوت، تمایز	• inventor (n.)	مخترع	• signal (n.)	علامت
• discover (v.)	کشف کردن	• laptop (n.)	لپ‌تاپ	• similar (adj.)	شبهه
• dishwasher (n.)	ظرفشو، ماشین ظرفشویی	• language (n.)	زبان	• smart (adj.)	هوشمند



• solution (n.)	راه حل	• technology (n.)	تکنولوژی، فناوری	• willing (adj.)	مشتاق
• sometime (adv.)	گاه گاهی	• tool (n.)	ابزار	• wear (v.)	پوشیدن
• special (adj.)	خاص، ویژه	• translate (v.)	ترجمه کردن	• weave (v.)	بافتن
• simple (adj.)	ساده	• uncertainty (n.)	نامطمئن	• wonderful (adj.)	شگفت انگیز
• suitable (adj.)	مناسب	• value (n.)	ارزش	• wrong (adj.)	نادرست، غلط

Collocations

• receive education	دریافت آموزش	• at least	حداقل	• at all	به هیچ وجه، اصلاً
• translate into	ترجمه کردن به	• make an omelet	املت درست کردن	• ordinary people	افراد عادی
• fix the car	تعمیر ماشین	• make a choice	انتخاب کردن	• write an email	نوشتن ایمیل
• find solution	یافتن راه حل	• wear dress	لباس پوشیدن	• pass the exam	امتحان دادن
• passive voice	وجه مجهول	• sense of belonging	حس تعلق داشتن	• signal uncertainty	سیگنال عدم اطمینان
• smart phone	گوشی هوشمند	• learn by heart	از بر کردن، حفظ کردن	• be wrong with	مشکل داشتن در
• for instance	به عنوان مثال	• around the world	در سرتاسر جهان	• compound sentence	جمله مرکب
• do experiment on	آزمایش کردن روی	• discover penicillin	کشف پنی سیلین	• simple sentence	جمله ساده
• computer games	بازی های کامپیوتری	• cure cancer	درمان سرطان	• make a difference	تفاوت ایجاد کردن
• mention the doer	ذکر کردن کننده کار	• develop a product	توسعه دادن یک فراورده	• take a rest	استراحت کردن
• weave a carpet	فرش بافتن	• by accident	تصادفی	• be proud of	افتخار کردن
• elicit agreement	به توافق رسیدن	• microwave oven	فر ماکروویو	• sense of identity	حس هویت
• confirm facts	تأیید حقایق			• set of rules	یک سری مقررات
• health condition	شرایط سلامتی				

Grammar

دستور زبان

وجه مجهول

با شعری از سیمین بهبهانی شروع می کنیم:

بچه ها صبحتان بخیر، سلام
فعل مجهول چیست می دانید؟
جمله معلوم جمله ای است که دارای فاعل، فعل (متعدی) و مفعول باشد.
می رویم سراغ یک شعر از حکیم ابوالقاسم فردوسی که دارای فاعل و فعل و مفعول است:
به روز نبرد آن یل ارجمند
به شمشیر و خنجر به گرز و کمند
برید و درید و شکست ببست
یلان را سر و سینه و پا و دست.

مفعول	فعل (متعدی)
سر	برید
سینه	درید
پا	شکست
دست	بست

نکته: فعل های لازم هیچ گاه مجهول نمی شوند چون نیاز به مفعول ندارند.

go	dance	sing	live	be	sound	travel
رفتن	رقصیدن	آواز خواندن	زندگی کردن	بودن	به نظر رسیدن	سفر کردن
have	sit	stand	rest	fly	taste	enter
داشتن	نشستن	ایستادن	استراحت کردن	پرواز کردن	چشیدن	وارد شدن



نکته ۲: هر فعل متعدی بدون مفعول، مجهول است.

نکته ۳: اگر کاری را به مفعول نسبت بدهیم، جمله حتماً مجهول است.

طریقه تبدیل معلوم به مجهول

۱ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می‌آوریم و ضمائر فاعلی را به ضمائر مفعولی تبدیل می‌کنیم.

ضمائر فاعلی	I	you	he – she – it	we	you	they
ضمائر مفعولی	me	you	him – her – it	us	you	them

۲ فعل to be متناسب با زمان جمله معلوم می‌آوریم.

حال ساده	گذشته ساده	آینده ساده	گذشته نقلی	افعال وجهی	گذشته بعید
am / is / are	was / were	be	been	be	been

۳ قسمت سوم فعل اصلی را می‌آوریم.

افعال بی‌قاعده کلیدی و ضروری برای امتحانات نهایی

معنی	اسم مفعول	گذشته	ساده
دانستن / شناختن	known	knew	know
بودن	been	was / were	be (am / is / are)
یاد گرفتن	learnt / learned	learnt / learned	learn
ساختن، وادار کردن	made	made	make
شکستن	broken	broke	break
پیدا کردن	found	found	find
نوشتن	written	wrote	write
خریدن	bought	bought	buy
خواندن	read	read	read
انجام دادن	done	did	do
پرداختن	paid	paid	pay
دیدن	seen	saw	see
گفتن	told	told	tell
رفتن	gone	went	go
پرواز کردن	flown	flew	fly
دادن	given	gave	give
داشتن / خوردن	had	had	have / has
رشد کردن / شدن	grown	grow	grow
نگه داشتن / ادامه دادن	kept	kept	keep
صحبت کردن	spoken	spoke	speak
دزدیدن	stolen	stole	steal
فراموش کردن	forgotten	forgot	forget
بردن / طول کشیدن	taken	took	take
شدن / به دست آوردن	gotten	got	get
خوردن	eaten	ate	eat
افتادن	fallen	fell	fall



طریقه تبدیل معلوم به مجهول زمان حال ساده

مثال:

She makes pancakes every morning.

Pancakes

Pancakes are

Pancakes are made

Pancakes are made by her every morning

او هر روز نان شیرینی درست می کند.

۱ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می آوریم.

۲ فعل to be متناسب با زمان جمله می آوریم.

۳ قسمت سوم فعل اصلی جمله معلوم را می آوریم.

۴ حرف اضافه by را می نویسیم و معادل ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی می آوریم.

خلاصه حال ساده مجهول

قید زمان + کننده کار + am / is / are + by + نایب فاعل

قیده های حال ساده مجهول

every day و مشتقات	عادات	قوانین	قیده های تکرار	جمله قبلی
--------------------	-------	--------	----------------	-----------

مثال:

• Active: She cleans the rooms every day.

• Passive: The rooms are cleaned (by her) every day.

ترجمه:

• معلوم: او هر روز اتاق ها را تمیز می کند.

• مجهول: اتاق ها هر روز توسط او تمیز می شود.

• نکته: برای سؤالی کردن حال ساده جای فعل های کمکی (am, is, are) را با نایب فاعل عوض می کنیم و برای منفی کردن آن، not را به این فعل ها اضافه می کنیم.

مثال:

• Active: He buys two loaves of bread every day.

• Passive: Two loaves of bread are bought by him every day.

• Question: Are two loaves of bread bought by him every day?

• Negative: Two loaves of bread are not bought by him every day.

ترجمه:

• معلوم: او هر روز دو قرص نان می خرد.

• مجهول: دو قرص نان هر روز توسط او خریده می شود.

• سؤالی: آیا دو قرص نان هر روز توسط او خریده می شود؟

• منفی: دو قرص نان هر روز توسط او خریده نمی شود.

طریقه تبدیل معلوم به مجهول زمان گذشته ساده

مثال:

Ali broke the window yesterday.

The window

The window was

The window was broken

۴ حرف اضافه by را می نویسیم و معادل ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی می آوریم. (این مرحله اختیاری است).

The window was broken (by Ali / him) yesterday.

علی دیروز پنجره را شکست.

۱ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می آوریم.

۲ فعل to be متناسب با زمان جمله می آوریم. (در گذشته was و were)

۳ قسمت سوم فعل اصلی جمله معلوم را می آوریم.

خلاصه گذشته ساده مجهول

قید زمان + کننده کار + was / were + p.p. + by + نایب فاعل

قیده های گذشته ساده

ago	1920	last	yesterday
-----	------	------	-----------

مثال:

• Active: A Russian spaceship took the first pictures of the moon in 1957.

• Passive: The first pictures of the moon were taken by a Russian spaceship in 1957.



ترجمه:

- **معلوم:** یک سفینه روسی اولین عکس ماه را در سال ۱۹۵۷ گرفت.
- **مجهول:** اولین تصاویر ماه توسط یک فضاپیمای روسی در سال ۱۹۵۷ گرفته شد.
- **نکته مهم:** برای سوالی کردن گذشته ساده، جای فعل های کمکی was یا were را با نایب فاعل عوض می کنیم و برای منفی کردن آن، not را به این فعل ها اضافه می کنیم.

مثال:

- **Active:** He bought two loaves of bread yesterday.
- **Passive:** Two loaves of bread were bought (by him) yesterday.
- **Question:** Were two loaves of bread bought (by him) yesterday?
- **Negative:** Two loaves of bread were not bought (by him) yesterday.

ترجمه:

- **معلوم:** او دیروز دو قرص نان خرید.
- **مجهول:** دو قرص نان دیروز توسط او خریداری شد.
- **سوالی:** آیا دو قرص نان دیروز توسط او خریداری شد؟
- **منفی:** دیروز دو قرص نان توسط او خریداری نشد.

طریقه تبدیل معلوم به مجهول زمان ماضی نقلی

مثال:

Doctors have made a new medicine to cure cancer.

A new medicine

A new medicine has been

A new medicine has been made

۱ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می آوریم.

۲ فعل to be متناسب با زمان جمله می آوریم. (یعنی been)

۳ قسمت سوم فعل اصلی جمله معلوم را می آوریم.

۴ حرف اضافه by را می نویسیم و معادل ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی می آوریم. (این مرحله اختیاری است).

A new medicine has been made (by doctors) to cure cancer.

خلاصه ماضی نقلی مجهول

قید زمان + کننده کار + by + have / has been + نایب فاعل

قیدهای ماضی نقلی (حال کامل)

اگر حرف اول کلمات را کنار هم بذاریم می شه «صفر جنی» (s f d r j e a n y)

since	for	during	recently	just	ever	already	never	yet
از	برای	در طی	اخیراً	به تازگی	تا به حال	قبلاً	هرگز	هنوز

- **نکته مهم:** برای سوالی کردن ماضی نقلی (حال کامل) مجهول، جای فعل های کمکی has یا have را با نایب فاعل عوض می کنیم و برای منفی کردن آن، not را به این فعل ها اضافه می کنیم.

مثال:

- **Active:** She has recieved the letter.
- **Passive:** The letter has been recieved (by her.)
- **Question:** Has the letter been recieved (by her?)

ترجمه:

- **معلوم:** او نامه را دریافت کرده است.
 - **مجهول:** نامه (توسط او) دریافت شده است.
 - **سوالی:** آیا نامه (توسط او) دریافت شده است؟
- طریقه تبدیل معلوم به مجهول زمان آینده ساده

مثال:

He will teach us English at our school next year.

English

English will be

English will be taught

او سال آینده در مدرسه ما به ما انگلیسی تدریس خواهد کرد.

۱ مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می آوریم.

۲ فعل to be متناسب با زمان جمله می آوریم.

۳ قسمت سوم فعل اصلی جمله معلوم را می آوریم.

۴ حرف اضافه by را می نویسیم و معادل ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی می آوریم. (این مرحله اختیاری است).

English will be taught (by him) at our school next year.

We will be taught English at our school next year (by him.)

انگلیسی توسط او به ما در مؤسسه مان سال آینده تدریس خواهد شد.



Exam Questions

سوالات امتحانی

Title Page, Get Ready, Conversation

۱ در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(advice / elderly / lower / pressure / sense / strength / successful)

1. He was under _____ to do his homework.
2. Please _____ your voice. I am busy studying.
3. Teenagers who help others are _____ in their lives.
4. We should help _____ people in doing their daily activities.
5. Listening to the _____ of older people can improve our lives.
6. Roya has a good _____ of appreciation. That's why her parents love her.

(appropriate / behavior / donate / function / kindness / improve / increase)

7. We must _____ blood to those who need it.
8. The _____ of the heart is to send blood all over the body.
9. We need to _____ our living conditions to the highest level.
10. We should learn the social _____ of the people who speak a language.
11. Did you know that _____ boosts energy and strength in elderly people?
12. They are going to _____ the working hours from 35 to 40 hours in the near future.

(cruel / famous / member / polite / positive / respect / take care of)

13. He is an active _____ of our club.
14. It is _____ to keep the birds in the cages.
15. He is a _____ person. All the people know him.
16. If teachers _____ their students, they will learn to do so.
17. It is not _____ to ask how much money one earns in English.
18. My mother told us to _____ ourselves while climbing the mountain.

(abroad / center / guess / lazy / physician / temperature / terrible)

19. Dr. Hesabi went _____ to continue his studies.
20. Most of the people like to be at the _____ of attention.
21. The highest _____ is reported from Ahvaz during the past 24 hours.
22. He caught a(n) _____ flu, so he couldn't attend his English class.
23. Can you _____ which football team will win the world cup in Qatar?
24. Dr. Gharib became a(n) _____, and came back to his homeland in 1316.

(dedicated / found / lovely / regarded / sure / receive / unconditionally)

25. Parents love their children _____.
26. At what age did you _____ your diploma?
27. Not surprisingly, he was regarded as a _____ physician.
28. Did Dr. Gharib _____ the first Children's Medical Center in Iran?
29. She said that her _____ son repeated the same question 15 times.
30. They were _____ that they would pass their final exam successfully.

۲ در هر بخش با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (در بخش دوم، یک جمله اضافی است.)

a	b	c	d
			



31. Children should respect their parents.
 32. We have to take care of elderly people.
 33. Family members should listen to each other.
 34. We can help many people by donating what they need.



35. Family members are interested in studying.
 36. The brain can record a large amount of information.
 37. This Persian textbook reminds me of school years.
 38. Kindness boosts energy and strength in elderly people.
 39. The man needs to be taken care of because of backache.

۳ برای هر تعریف داده‌شده در ستون A، یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است.)

A	B
40. how hot or cold a thing or a place is	a) blood
41. an understanding about something	b) teenager
42. the middle point or part of something	c) temperature
43. a course of study at a college or university	d) medicine
44. a person who is between 13 and 19 years old	e) physician
45. a doctor, especially one who is a specialist in general medicine	f) center
46. the red liquid that flows through the bodies of humans and animals	g) diploma
	h) sense

۴ مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

47. He got _____ scores than the other students in her class. That's why she is unhappy.
 a) better b) higher c) lower d) nicer
48. They have _____ the prices in this store.
 a) destroyed b) donated c) cared d) increased
49. Parents should be _____ by their children.
 a) respected b) selected c) followed d) checked
50. They are trying to _____ their living conditions.
 a) describe b) improve c) appreciate d) function
51. She doesn't feel well. We must _____ her temperature.
 a) get b) make c) do d) take
52. The first children's medical _____ was found by Dr. Gharib in 1347.
 a) center b) textbook c) disease d) research
53. My friend was born in Tehran _____ 1385.
 a) in b) on c) at d) by
54. This school was built by a _____ man. He donated \$ 100, 000.
 a) serious b) generous c) famous d) cruel
55. He _____ no pains to help his countrymen who were in bad conditions.
 a) spared b) cured c) regarded d) received
56. Thousands of students are taught _____ by this distinguished physician.
 a) diploma b) disease c) medicine d) temperature



Collocations

جاهای خالی جملات زیر را با در نظر گرفتن کلمات هم‌نشین کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده.)

57. We have to speak louder, because my grandfather is h - - - of hearing. (خرداد ۹۸)
58. Dr. Gharib was regarded as a d - - - - - physician and he spared no pains to help sick people. (خرداد ۹۸)
59. The baby is asleep. Please l - - - - your voice.
60. He has a good m - - - - . He never forgets anything.
61. The teacher told us to answer the questions o - - - - , not in written form.
62. He was taken to the hospital because of his high b - - - - pressure.
63. Ailin: Are you s - - - about it?
Maha: No, I'm only guessing.
64. We must take care of e - - - - - people. They need care and attention.
65. The team m - - - - - promised to do their best to win the match.
66. Dr. Gharib was b - - - in Tehran in 1288.
67. Have you seen Dr. Gharib TV s - - - - -?
68. The Children's Medical Center was f - - - - - by Dr. Gharib in 1347.
69. The teacher asked us to m - - - - the pictures with the sentences.
70. Who takes c - - - of your children when you are out at work?
71. The doctor t - - - my temperature and said there was no problem.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(diary / forgive / calmly / record / repeatedly / tears / thought)

72. I have kept a _____ for twelve years.
73. Please _____ me for not taking you seriously.
74. The brain can _____ a large amount of information.
75. My sister burst into _____ when she saw her score.
76. I've told my children _____ to talk politely to their teachers.
77. He spoke so _____ about the accident that we were surprised.
(actually / hearing / keep / lovingly / quietly / reply / shout)
78. The old woman hugged his son _____.
79. I said good morning to him, but he didn't _____.
80. He left the meeting _____ without saying anything.
81. It isn't necessary to _____. My ears are as good as yours.
82. Why do you _____ asking me the same question repeatedly?
83. I wonder if she is hard of _____. She didn't react to my question.
(deserve / main / meaningful / provided / reason / whereby)
84. They _____ to be appreciated for what they did.
85. He wanted to know the _____ for my being late.
86. Tell me the _____ points, leave the details for the future.
87. The information _____ by the book was not good enough.
88. There is no _____ difference between these two dictionaries.

Collocations

جاهای خالی جملات زیر را با در نظر گرفتن کلمات هم‌نشین کامل کنید.

89. We have to speak louder, because my grandfather is _____ of hearing. (خرداد ۹۸)
90. In Germany people usually _____ each other when they meet. (خرداد ۹۸)
91. I have recorded my thoughts and feelings in my _____ every day for 10 years. (شهریور ۹۸)



92. The baby enjoys sitting on her mother's _____ .
 93. I have told Mohsen _____ to talk politely to his teacher.
 94. My uncle went to his son and _____ him.
 95. He started reading _____ .
 96. We must _____ for our parents.
 97. A: Did you feed the cats?
 B: Yes, I _____ them.

(خرداد ۹۹)

(شهریور ۹۸)

(دی ۹۹)

۸ کدام هم‌نشین صحیح است؟

98. sit in the sofa or sit on the sofa?
 99. shout at sb or shout in sb?
 100. sit on one's lap or sit in one's lap?
 101. take a diary or keep a diary ?
 102. in the other hand or on the other hand ?
 103. fast meal or quick meal ?
 104. fast food or quick food?
 105. make exercise or do exercise?
 106. in the right or on the right?
 107. burst into tears or burst for the tears?
 108. on a spring morning or in a spring morning?
 109. be angry with or be angry in?
 110. look for sth to buy or look after sth to buy?
 111. take temperature or make temperature?
 112. make a mistake or do a mistake?

۹ با توجه به کلمه یا عبارت داده شده در سؤال، تصویر مناسب با آن را انتخاب کنید.

a	b	c	d	e
f	g	h	i	j

113. diary
 114. take care of someone
 115. pigeon
 116. read aloud
 117. hard of hearing
 118. burst into tears
 119. sit on the lap
 120. hug sb
 121. shout at sb
 122. sitting on the sofa



۱۰ برای هر کلمه یا عبارت داده شده در سؤال، کلمه یا عبارت متناسب با آن را از بین کلمات و عبارات زیر انتخاب کنید.
(pigeons / burst into tears / calmly / diary / forgive / hard of hearing / repeatedly / reply)

123. many times
124. a kind of bird
125. give an answer
126. unable to hear clearly
127. to cry suddenly
128. in a quiet way
129. to stop being angry with someone
130. a book in which you record your thoughts and feelings

(خارج از کشور-۹۸)

(خرداد ۹۸)

(شهریور ۹۸)

(خرداد ۹۸)

۱۱ با توجه به مفهوم هر جمله، مناسب ترین گزینه را انتخاب کنید.

131. What he said was not to us. We asked him to repeat it once more.
a) meaningful b) generous c) distinguished d) important
132. He gave a full of what had happened on the way to school.
a) comprehension b) strategy c) description d) vocabulary
133. Wear clothes that enough protection against the cold.
a) generate b) provide c) follow d) describe
134. When my mother saw my score, she at me angrily.
a) shouted b) watched c) saw d) fought
135. Students should their teachers for their help and kindness.
a) remember b) generate c) select d) appreciate
136. It takes me 20 minutes to get to my work.
a) normally b) finally c) hardly d) suddenly
137. She had to speaking English before the interview.
a) repeat b) practice c) forgive d) follow
138. What's your for shouting at him angrily?
a) question b) process c) reason d) quantity
139. I said good morning to him in French and he in the same language.
a) reviewed b) located c) replied d) recorded
140. A wind was blowing from the west.
a) heavy b) strong c) general d) normal
141. Who says is better than quality?
a) strategy b) generation c) description d) quantity
142. He can speak as fluently as a(n) speaker.
a) oral b) sudden c) native d) natural
143. The bag was so heavy that I couldn't it.
a) start b) carry c) weigh d) measure
144. Proper nouns are different from nouns.
a) interesting b) common c) helpful d) famous
145. I know three foreign languages besides my mother tongue.
a) terribly b) closely c) actually d) loudly
146. By learning, you can improve your vocabulary.
a) situations b) descriptions c) collocations d) generations
147. When you have a high opinion of someone, in fact you them.
a) dedicate b) provide c) reply d) respect



148. You should learn question generations _____ with their possible answers.
a) aside b) along c) among d) outside
149. I asked him to tell me the _____ points of the passage.
a) main b) real c) quick d) heavy
150. I had no _____ why he left the meeting without saying goodbye.
a) skill b) idea c) nature d) way
151. The question _____ by the teacher was hard to answer.
a) matched b) combined c) provided d) skimmed
152. If you don't send me the _____, I can't attend the meeting.
a) attention b) appreciation c) function d) location
153. It is not _____ to read in a dark room.
a) important b) necessary c) possible d) meaningful
154. What's _____ with you? You are coughing again.
a) mistake b) problem c) hard d) wrong
155. A collocation is two or more words that often _____ together.
a) go b) do c) stay d) get

Reading

Respect Your Parents

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

156. What season was it?
157. Where was the old woman sitting?
158. What was her young son doing?
159. Where did the pigeon sit?

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, "It is a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother. "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

160. What does "this" refer to?
161. How many times did the old woman ask the same question?
162. Why did the boy shout at his mother?

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

163. Where did the old woman go?
164. What did she bring?
165. When did she buy the diary?
166. What did the old woman ask her son to do?
167. How did the boy read the diary?

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

168. Where was the little son sitting?
169. How many times did the old woman answer his son's question?
170. How did she hug her son?
171. Was the son's mother angry with him because of the questions?



Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

172. Who burst into tears?
 173. Did he ask his mother to forgive him?
 174. What did his mother do?
 175. What did his mother say?

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۱۲ در هر بخش جاهای خالی جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(author / collection / countless / heart / inspiration / poets / special)

176. Do you know which has written *The Old Man and the Sea*?
 177. Hafez is known to be as one of the most famous Persian of all time.
 178. Hafez is mostly remembered for a type of poetry that is called Ghazal.
 179. Ferdowsi is known to be the for many poets and authors around the world.
 180. Tahereh Saffarzadeh began to learn the Holy Quran by when she was 8 years old.
 181. The Holy Quran has been translated into languages including German, English and French.

(create / cure / discover / ordinary / product / solution / spare)

182. This kind of laptop is a new of China.
 183. Scientists are not people like you and me.
 184. Scientists have not found a way to cancer yet.
 185. Did Alexander Fleming penicillin or someone else?
 186. They want to more jobs for the young people in this area.
 187. The teacher wanted to know who knew the to that math problem.

(agreement / condition / confirm / elicit / uncertainty / weave / wrong)

188. What's with you? Are you sick?
 189. My brother will what I have told you.
 190. She said she was quite in with what I did.
 191. It took her a long time to that pretty carpet.
 192. He was in good, although he was 95 years old.
 193. He answered her question quite, She was not sure about it.

Collocations

۱۳ کلمات ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌نشین)

A		B
194. receive	⊙	a) a solution
195. learn	⊙	b) a product
196. sense	⊙	c) cancer
197. find	⊙	d) accident
198. cure	⊙	e) education
199. develop	⊙	f) oven
200. by	⊙	g) the exam
201. microwave	⊙	h) agreement
202. pass	⊙	i) of identity
203. elicit	⊙	j) by heart



۱۴ کلمات ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌تشین)

A		B
204. future	<input type="radio"/>	a) condition
205. compound	<input type="radio"/>	b) a dictionary
206. wear	<input type="radio"/>	c) proud of
207. comfortable	<input type="radio"/>	d) of belonging
208. be	<input type="radio"/>	e) of rules
209. sense	<input type="radio"/>	f) a dress
210. a set	<input type="radio"/>	g) a failure
211. install	<input type="radio"/>	h) plans
212. experience	<input type="radio"/>	i) shoes
213. health	<input type="radio"/>	j) sentences

۱۵ جاهای خالی جملات زیر را از دانش خود به انگلیسی کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده است).

214. I h - - - John because he is selfish.
 215. "But" is used for showing c - - - - - .
 216. I am w - - - - - to help you with English.
 217. He was so h - - - - that he ate three bowls of soup.
 218. They found a peaceful s - - - - - to the problem.
 219. The i - - - - - of the dead man is not known by the police.
 220. We have much to learn from our parents r - - - - - our heritage.
 221. The r - - - - of the research shows that housewives are the biggest group of TV viewers.

۱۶ مناسب‌ترین گزینه را از نظر مفهومی انتخاب کنید.

222. Emotions and _____ are used in Ghazals by Hafez a lot.
 a) ethics b) tablets c) tools d) rules
223. This poet drew his _____ from nature.
 a) conversation b) development c) inspiration d) translation
224. Did you know that radio was _____ by an Italian scientist called "Marconi"?
 a) discovered b) invented c) matched d) selected
225. Which communication power _____ do you use when making a speech?
 a) texts b) points c) choices d) tools
226. Mr. Ahmadi is a _____ man. He knows the Holy Quran by heart.
 a) serious b) religious c) special d) countless
227. The _____ system in Finland is the best one in the world. Children enjoy learning.
 a) collection b) emotion c) education d) poetry
228. It is a(n) _____ that he knows several languages.
 a) blessing b) heritage c) guideline d) belonging
229. There is a weak _____ that he can help us.
 a) attendance b) difference c) combination d) possibility
230. The doctors are _____ his health conditions. I hope it isn't something serious.
 a) checking b) explaining c) mentioning d) following
231. These tests are based _____ the vocabulary, not grammar.
 a) in b) at c) on d) of



Listening and Speaking



برای مشاهده فایل‌های صوتی،
رمزینۀ مقابل را اسکن کنید.

۲۸ به متن شنیداری شماره ۱ گوش دهید و به سؤالات داده‌شده پاسخ دهید.

335. Why hasn't Sam come to work?

336. What are the doctors doing?

۲۹ به متن شنیداری شماره ۲ گوش دهید و به سؤالات داده‌شده پاسخ دهید.

337. Why is Amin busy these days?

338. What does Behzad think about health?

۳۰ به متن شنیداری شماره ۳ گوش دهید و به سؤالات داده‌شده پاسخ دهید.

339. Where are they going?

340. Why does Mina prefer chess?

سلام! در این قسمت می‌خواهیم با یک تیر دو نشان بزنیم. هم به‌طور کامل مکالمۀ درس را بررسی کنیم و هم برای قسمت شنیداری، امتحان نهایی را تمرین کنیم چون همین مکالمه‌ها در امتحان نهایی (مثل شهریور ۹۸) می‌آیند.

۳۱ به متن شنیداری شماره ۴ گوش دهید و جاهای خالی را پر کنید.

Sara has been in the Children's 341. _____ Center for a week. She has caught a terrible flu. The doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall. While the nurse is taking her 342. _____, they start talking.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

Nurse: Oh don't you know him? Have you ever 343. _____ of Dr. Mohammad Gharib?

Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

Nurse: Dr. Gharib was a 344. _____ physician.

Sara: Oh, can you tell me a little about his life?

Nurse: Dr. Gharib was 345. _____ in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went 346. _____ to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center was 347. _____ by Dr. Gharib and one of his close friends.

Sara: Really? I didn't know that.

Nurse: Dr. Gharib was also a 348. _____ man.

He spared no pains to cure sick children.

He was very 349. _____ and helpful to poor families.

Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.

Sara: It's a pity! I didn't know such a great man.

Nurse: He was known as a distinguished 350. _____ professor, too.

The first Persian textbook on children's 351. _____ was written by him. He taught 352. _____ to thousands of students.

Sara: Oh, what a great man he was!

Nurse: By the way, it might be 353. _____ to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

Writing

۳۲ جملات زیر را با and و but کامل کنید.

354. We went to the park yesterday, _____ we had a wonderful time.

355. Behnam's family went to the zoo last week, _____ they did not enjoy it.

356. Susan has a pink dress, _____ she never wears it.

357. Kate saw Sofia, _____ she didn't speak to her.

358. My English class is really enjoyable, _____ I have a lot of homework



۳۳ جملات زیر را با or یا so کامل کنید.

359. My mother doesn't like fast food, _____ she doesn't eat any.
 360. I can go out tonight, _____ I take a rest.
 361. We can eat our lunch at the restaurant, _____ we can have it at home.
 362. That dictionary is expensive, _____ I can't buy it.
 363. This dress is not comfortable, _____ she rarely wears it.

۳۴ جملات زیر را با and , but , or , so ترکیب کنید.

364. Joseph is very busy today. He cannot watch TV.
 365. My brother has a lot of books. He never reads them.
 366. We should do a lot of homework. We don't have enough time.
 367. Sepideh likes spaghetti. Her grandmother hates it.
 368. You can buy this coat. You can buy those shoes.

۳۵ جملات زیر را با دانش گرامری خود کامل کنید.

369. I like learning Chinese, but _____ .
 370. These shoes are not comfortable, so _____ .
 371. You must study well, and _____ .
 372. I like swimming, but _____ .
 373. You can install a mobile dictionary, or _____ .

۳۶ جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید.

(and, but, or, so)

374. Mrs. Tehrani likes fish, _____ her grandmother hates it.
 375. These shoes aren't comfortable, _____ I rarely wear them.
 376. The woman washed the dishes, _____ her daughter dried them.
 377. You can check this booklet, _____ you may see our website. (دی ۹۷)
 378. The early bird catches the worm, _____ if you want to succeed, wake up and start work early.
 379. He bought a house, found a job, _____ chose a school for his children last year.
 380. The glass fell down to the floor, _____ it didn't break.
 381. You can pay now, _____ when I finish your painting. (خرداد ۹۸)
 382. You can buy a shirt _____ you can save your money.
 383. There was nothing at home to eat, _____ I went to a restaurant.
 384. My friend had a lot of problems, _____ she didn't tell me anything.
 385. He wrote some books for children, _____ translated a lot of story books. (شهریور ۹۸)
 386. He can buy the dictionary, _____ he can borrow it from the library.
 387. There was no bread at home, _____ my mother went out to buy some.
 388. My sister loves apples, _____ she hates bananas.
 389. Ali bought a new coat, _____ he wore it for two years. (دی ۹۸)

۳۷ متن زیر را با کلمات داده شده کامل کنید.

(and, or, but, so)

Amin is a student, 390. _____ he goes to a school near his house. He can come home by taxi, 391. _____ he can come on foot. He usually gets back on time, 392. _____ yesterday he came home late because one of his friends got sick, 393. _____ Amin waited until his friend's father arrived. (خرداد ۹۹)

Teachers work hard every day to make sure you have learnt your lessons, 394. _____ they deserve your respect. You should know their values, 395. _____ tell them that you are grateful to them for their help. You may sometimes forget their kindness, 396. _____ you need to remember that they shape your lives like your parents. Treat them well when they are still around, 397. _____ you will be sorry one day. (ریاضی، تجربی - خرداد ۹۹) **پرتکرار**



۳۸ جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید.

(and, or, but, so)

398. I get up early in the morning, I make an omelet myself. (شهریور ۹۹)
399. We can eat our lunch at the restaurant, we can have it at home. (شهریور ۹۹)
400. They wanted to call you, they did not have your phone number. (شهریور ۹۹)
401. That dictionary is expensive, I can't buy it. (شهریور ۹۹)
402. Sepideh likes spaghetti, her grandmother hates spaghetti. (دی ۹۹)
403. These shoes are not comfortable, I will not buy them. (دی ۹۹)
404. They went to the restaurant, ordered food. (دی ۹۹)
405. We can go by bus, we can take a taxi. (دی ۹۹)
406. I got up early in the morning, I made an omelet myself. (انسانی، معارف اسلامی - خرداد ۱۴۰۰) پرتکرار
407. There is snow in the street, it's not too cold. (انسانی، معارف اسلامی - خرداد ۱۴۰۰) پرتکرار
408. We went to the restaurant ordered food. (ریاضی، تجربی - خرداد ۱۴۰۰) پرتکرار
409. That dictionary is expensive, I can't buy it. (ریاضی، تجربی - خرداد ۱۴۰۰) پرتکرار

What You Learned

دانش آموز عزیز، بخشی از این متن در کتاب درسی قید نشده، ما یواشکی قسمت جافتاده رو براتون آوردیم (بین خودمون بمونه). شما کل متن رو بخونید. احتمال داره در آینده هم به عنوان متن شنیداری بیاد و هم به عنوان درک مطلب. متن رو ترجمه می کنیم و چندتا سوال می دیم. چندین بار این متن رو بخونید.

۳۹ متن زیر را بخوانید و به سؤالات داده شده پاسخ دهید.

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to care for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they've faced in life but they've definitely gained experience that is worth respecting and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to feel the pain, the least we can do is appreciate them for all they've gone through and learn from their insight into situations. Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage and history brings a sense of belonging. Most importantly, it brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations.

What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles in our lives. Our elders have either learned, created or have been brought up with a set of morals, values and principles in their lives. Our elders want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful, and hopefully, peaceful.

410. Why is it important to respect and care for our elders?
411. What does the underlined word "they" refer to?
412. Why is our heritage important?
413. What should we do about our culture and heritage?
414. What do our parents do for us?

متن های تالیفی و امتحانات نهایی

۴۰ متن شماره ۱: متن زیر را بخوانید و به سؤالات آن پاسخ دهید.

Professor Mahmood Hesabi was born in Tehran. When he was seven, his family moved from Iran to Lebanon. At the age of 17, he got his diploma in Beirut. Later, he received his B.A. in civil engineering while working as a draftsman. He graduated from engineering school of Beirut. Dr. Hesabi worked in French National Railway System. He continued his research in physics at Sorbonne University in France, and got his Ph.D. in physics from that University at the age of 25. Professor Hesabi was a dedicated scientist who did important works for the improvement of our country, Iran. He founded Tehran University and also the first modern observatory in Iran. Professor Hesabi is called the father of physics science in Iran. He was such a great man!



415. When did Dr. Hesabi receive his diploma?

416. Did he receive his B.A. before getting his diploma?

True / False

417. Dr. Hesabi preferred to live in France.

418. When Dr. Hesabi got his Ph.D in physics, he was 25.

419. The first modern observatory was founded by Dr. Hesabi.

متن شماره ۲: متن زیر را بخوانید و به سؤالات آن پاسخ دهید. (۴۱)

Some people prefer to provide help and support directly to those in need. However, others prefer to give money to national and international charity organizations. Giving money to those in need can be a personally good experience, but there is a choice between donating nationally and internationally through charities or giving directly to those around you. One of the advantages of providing direct support is that you can know exactly how your money is spent. Another benefit is that you can see the impacts on those you are helping, which can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.

There are advantages in giving to charities that are national and international. First and the best is helping in problems of global importance, such as curing diseases and human rights or helping those who are in bad environmental events like earthquakes and floods.

In conclusion, a person should make their own choice in helping others. The important point is that we continue to give to those who are more in need than ourselves.

420. What can it lead to when you see the impacts on those you are helping?

421. What is the important point in helping others?

422. What is the closest synonym for the word "benefit"?

a) experience

b) advantage

c) choice

d) effect

True / False

423. Helping people in bad environmental events has the global importance.

424. All people feel great personal happiness when they help others.

(خرداد ۹۸)

متن شماره ۳: متن زیر را بخوانید و به سؤالات آن پاسخ دهید. (۴۲)

The size and shape of your ears show your character more than any other part of the face. Other parts of the face change shapes as we get older, but ears do not change their shapes. They only change in size.

Reading people's character from their ears is a very old science. In the past people thought that a person with red ears was dangerous. They also thought that the shape of the ears showed if a person was musical or not. Today, too many people believe that the size and shape of the ears help you know if a person is musical. Ears are all different, and each different thing has a meaning.

Next time you look at a person, see if his or her ears are large, medium-size, or small. Look at the lobes. Ears that are always red mean that a person may get angry easily. Ears that are always cold and nearly white mean that a person has a nervous character.

425. When we grow up, _____.

a) our ears will not change in size

c) our ears will get colder

b) our ears will be the same size

d) our ears will not change in shape

426. If someone's ears are red, it means _____.

a) he/she is a kind person

c) he/she may get angry easily

b) he/she is very happy

d) he/she drinks a lot

427. If you look at someone's ears, the right way is to see _____.

a) his face, ears and nose

c) his mouth, eyes and nose

b) the size, color and shape

d) the hair, eyes and color

428. How can we find out a person has a nervous character through his/her ears?

a) When they are cold

c) When they are not white color

b) When they are medium-size

d) When they are musical

(دی ۹۸)



Lesson 1

Work Book

برای دریافت پاسخ پرسش‌های
کتاب درسی QR-Code رو به رو
را اسکن کنید!



Vocabulary

لغات

- a few years hence (phr.) تا چند سال دیگر
- appreciate (v.) قدردانی کردن، درک کردن
- attempt (v.) تلاش کردن
- cage (n.) قفس
- deserve (v.) سزاوار بودن، شایسته بودن
- duty (n.) وظیفه
- elder (adj.) بزرگ‌تر، ارشد
- end in (phr. v.) ختم شدن به
- failure (n.) شکست
- feel honored (v.) احساس غرور کردن
- forget (v.) فراموش کردن
- fridge (n.) یخچال
- gazelle (n.) غزال
- grateful (adj.) سپاس‌گزار

- handle (v.) اداره کردن، از عهده کاری برآمدن، حمل کردن
- hence (conj.) بنابراین
- honor (n.) (v.) افتخار، افتخار کردن
- inform (v.) مطلع کردن
- kid (n.) بچه
- lack (n.) فقدان، نداشتن
- later (adv.) بعداً
- no matter (col.) مهم نیست که، اهمیتی ندارد که
- own (adj.) (adv.) خود، خاص
- parrot (n.) طوطی
- project (n.) پروژه
- robber (n.) سارق

- share (n.) (v.) سهم، سهیم شدن، به اشتراک گذاشتن
- sing (v.) آواز خواندن
- society (n.) جامعه
- steal (v.) دزدیدن
- success (n.) موفقیت
- suggest (v.) پیشنهاد کردن
- thus (adv.) بنابراین
- title (n.) عنوان
- toy (v.) اسباب‌بازی
- unconditionally (adv.) بدون قید و شرط
- unreal (adj.) غیرواقعی
- worthy (adj.) ارزشمند

Exam Questions

سؤالات امتحانی

Reading

سلام! در این بخش از کتاب سراغ کتاب کار می‌رویم و متن را تمرین می‌کنیم. همان‌طور که می‌دانید ۱۰ نمره از چهل نمره امتحان نهایی به درک مطلب اختصاص دارد. متون کتاب کار هم مورد سؤال قرار می‌گیرند. به‌خاطر همین مطلب متن کتاب را بنده‌بند ترجمه و بررسی می‌کنیم.

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

429. Should we respect our elders?

430. What does the underlined word "they" refer to?

431. What will happen if we don't respect our elders?

Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

432. What can elders share with us?

433. Why do we need to care of the elders?

434. What does "they" refer to?

No matter what we do in our lives, who we are, and where we live, we must love them as they love us unconditionally. They feel honored when we appreciate their love and respect them. So it is our duty to help them when they need us because they are not young enough to handle things on their own like before.



435. What does "them" refer to?
 436. Why must we love our parents?
 437. What happens when we respect and appreciate our parents?
 438. Why should we help our parents?

۴۳ برای هر تعریف داده شده از ستون A یک کلمه از ستون B انتخاب کنید.

A	B
439. all the people of about the same age within a society	a) genetation
440. a lack of success in doing something	b) deserve
441. to be grateful for	c) failure
442. to be worthy	d) appreciate

۴۴ جاهای خالی جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(respect / unconditionally / later / shares / failure)

443. Parnia never _____ her toys with her cousins.
 444. Students show their _____ for the teacher by not talking.
 445. Their first attempt to climb Sabalan ended in _____.
 446. The project will be completed two weeks _____.

۴۵ گروه کلمات زیر را به صورت جملات معلوم و مجهول بنویسید.

447. hunter / the cruel / the gazelle / killed /.

Active: _____

Passive: _____

448. my mother / Sina / gave / for his birthday / a book /.

Active: _____

Passive: _____

449. invented / Baird / the first television / in 1924 /.

Active: _____

Passive: _____

450. always / I / keep / in the fridge / butter /.

Active: _____

Passive: _____

451. did not / inform / you / us / the result / about /.

Active: _____

Passive: _____

۴۶ شکل صحیح کلمه داخل پرانتز را بنویسید.

452. The robber _____ by the police last week. (find)
 453. The first fast food restaurants _____ in our city thirty years ago. (open)
 454. I have two parrots. They _____ in the cage. (keep)
 455. Persian _____ in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (speak)
 456. Jack's money _____ in the train. (steal)

۴۷ قسمت انتهایی جملات زیر را کامل کنید.

457. It's a lovely day, _____ ?
 458. You haven't done your homework, _____ ?
 459. There is a problem here, _____ ?
 460. Hamid never says a word, _____ ?
 461. Kate forgot to feed the chickens, _____ ?



سؤالات شبیه ساز امتحانی نوبت دوم
















تاریخ: / /

مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه

کلیه رشته ها

درس: زبان انگلیسی ۳ (دوازدهم)

ردیف	سؤالات	نمره								
1	<p>دانش آموزان عزیز، به فایل صوتی گوش دهید. سپس جاهای خالی را کامل کنید.</p> <div><p>برای مشاهده فایل های صوتی، رمزینۀ مقابل را اسکن کنید.</p></div> <p>Culture is a system of 1. beliefs that are common in a society. Often, we think of the food, music, clothing, and holidays that are common in a society as its culture, but these are only some of the 2. Others include customs, 3., and behaviors. Culture is, therefore, a 4. of thoughts, feelings, attitudes, and beliefs. With more than 190 countries and 7 billion people on 5., it is not hard to 6. that many cultures exist. No matter where you go around the world, you will face people, lifestyles and cultures that are different to what you have. People throughout the world have very different lives and ways of living. They have different beliefs and customs. So they usually live and behave 7. to what they believe to be 8. and wrong.</p>	۴								
2	<p>دانش آموزان عزیز، بعد از شنیدن فایل صوتی به سؤالات زیر پاسخ دهید.</p> <p>9. How is the brain at night compared to day? 10. What happens when we laugh? 11. How does the information move in the brain?</p>	۳								
3	<p>دانش آموزان عزیز، بعد از شنیدن فایل صوتی به سؤالات داده شده پاسخ دهید.</p> <p>True/False</p> <p>12. Sajjad works for a newspaper. 13. He had taken some pictures of the fire before the firefighters arrived. 14. He called 125 so that they could put out the fire.</p>	۳								
4	<p>با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است.)</p> <table><tr><td>15.</td><td>16.</td><td>17.</td><td>18.</td></tr><tr><td></td><td></td><td></td><td></td></tr></table> <p>a) C is the symbol for carbon in chemistry. b) Some people hug each other when they meet. c) His father shouted at him because he hadn't done his homework. d) Respecting elderly people boosts energy and strength in them. e) We can help others by donating blood.</p>	15.	16.	17.	18.					۲
15.	16.	17.	18.							
										
5	<p>جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.) (opposite / diary / power / poet)</p> <p>19. I will do anything in my to help you. 20. The wind turbine works the of a fan. 21. Hafez was a great in the 8th century.</p>	۱/۵								




سوالات شبیه‌ساز امتحانی نوبت دوم

تاریخ: / /

مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه

کلیه رشته‌ها

درس: زبان انگلیسی ۳ (دوازدهم)

۱/۵	۶	برای هر تمرین مشخص شده از ستون A، یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است.)										
		<table><tr><th>A</th><th>B</th></tr><tr><td>22. all the people of about the same age within a society</td><td>a) solar</td></tr><tr><td>23. a lack of success in doing something</td><td>b) failure</td></tr><tr><td>24. the energy that comes from the sun</td><td>c) recommend</td></tr><tr><td></td><td>d) generation</td></tr></table>	A	B	22. all the people of about the same age within a society	a) solar	23. a lack of success in doing something	b) failure	24. the energy that comes from the sun	c) recommend		d) generation
A	B											
22. all the people of about the same age within a society	a) solar											
23. a lack of success in doing something	b) failure											
24. the energy that comes from the sun	c) recommend											
	d) generation											
۱	۷	جمله زیر را با کلمه‌ای مناسب از دانش خود کامل کنید. (با توجه به تعداد خط چین، حروف کلمه مورد نظر را کامل کنید.) 25. Don't count the chickens before they h - - - .										
۱	۸	مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید. 26. There are eleven players in a football team, _____? a) are they b) aren't they c) are there d) aren't there 27. The man who _____ on TV last night is our English teacher. a) showed b) was shown c) was showing d) had shown 28. They had done their homework before they _____ to bed. a) had gone b) have gone c) went d) would go 29. You would catch the train if you _____ home earlier. a) left b) were leaving c) had left d) were left										
۳	۹	شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید. 30. The woman told me that she _____ in Isfahan before. (to work) 31. The girls _____ carpets, weren't they? (to weave) 32. He wasn't very _____ and kept to himself. (to communicate) 33. A new medicine has _____ by the doctors to cure the cancer. (to make) 34. What would you do if it _____ raining? (to be) 35. Mina was happy because she _____ good news. (to hear)										
۳	۱۰	با هر گروه از کلمات زیر یک جمله بنویسید. 36. this / several / translated / book / been / into / has / languages / . _____ 37. the pictures / I / which / were / very good / took / . _____ 38. in the cold weather / took off / happen / what / if / would / he / his coat / ? _____										
۱	۱۱	جمله زیر را با استفاده از ضمیر موصولی مناسب who، whom یا which کامل کنید. 39. Pigeon is a bird _____ . 										



نکته: چون قسمت انتهایی مثبت است بنابراین جمله حالت منفی دارد و با توجه به کلمه منفی **nothing** از شکل مثبت زمان گذشته فعل داخل پراتنز استفاده می‌شود. تعدادی از افعال سه قسمتشان یکی است. مثل: (... read, cut, have, burst, let)

۲۸۷. پاسخ صحیح **will go** است.
آنها به خرید خواهند رفت، مگه نه؟

نکته: چون در قسمت انتهایی فعل **won't** آمده است، جمله به زمان آینده است و از **will** به همراه شکل ساده **go** استفاده می‌شود.

۲۸۸. پاسخ صحیح **haven't had** است.
آنها هنوز ناهار نخورده‌اند، مگه نه؟

نکته: قسمت انتهایی نشان می‌دهد که جمله حال کامل است و چون مثبت است جمله را به صورت منفی حال کامل می‌آوریم، یعنی: **have / has + not + p.p.**

۲۸۹. پاسخ صحیح **are weaving** است.
آنها در حال قالی بافی هستند، مگه نه؟

نکته: قسمت انتهایی نشان می‌دهد که زمان جمله حال استمراری بوده است. بنابراین از فعل **are** به همراه شکل **ing** دار فعل داخل پراتنز استفاده می‌شود. یعنی: **am / is / are + verb + ing**

۲۹۰. پاسخ صحیح **can help** است.
من مطمئن هستم آنها می‌توانند به ما کمک کنند، مگه نه؟

نکته: با توجه به حالت منفی قسمت انتهایی از شکل مثبت **can** به همراه شکل ساده فعل یعنی **help** استفاده می‌کنیم. (قسمت اول جمله توضیح اضافی است.)

۲۹۱. پاسخ صحیح **was watching** است.
او داشت تلویزیون تماشا نمی‌کرد، مگه نه؟

نکته: با توجه به قسمت انتهایی، جمله بیانگر گذشته استمراری است و در جمله از حالت منفی استفاده می‌شود، یعنی: **was / were + not + verb + ing**

۲۹۲. پاسخ صحیح **won't be** است.
فردا جلسهای وجود نخواهد داشت، مگه نه؟

نکته: چون در قسمت انتهایی از **will** استفاده شده است در جمله از **won't** به همراه شکل ساده فعل استفاده می‌شود، یعنی: **won't + verb**

۲۹۳. پاسخ صحیح **knows** است.
همه او را می‌شناسند، این طور نیست؟

نکته: اگر در جمله ضمایر مبهم مثل **everybody / nobody / someone** بیاید از شکل مفرد فعل و در قسمت انتهایی از ضمیر جمع **they** استفاده می‌شود. (برای ضمایر مبهم ضمیر جمع **they** استفاده می‌شود.)

۲۹۴. پاسخ صحیح **didn't do** است.
آنها تکالیفشان را با دقت انجام ندادند، مگه نه؟

۲۷۵. پاسخ صحیح **aren't they** است.
آنها دارند به همدان می‌روند، مگه نه؟

They are → aren't there?

۲۷۶. پاسخ صحیح **will he** است.
پدرش ماشین جدید نخواهد خرید، مگه نه؟

His father won't → will he?

۲۷۷. پاسخ صحیح **have the** است.
پسرها پنجره را شکسته‌اند، مگه نه؟

The boys have → haven't they?

۲۷۸. پاسخ صحیح **hasn't she** است.
خواهر شما امتحان را پاس کرده، نکرده؟

نکته: اگر **have / has / had** با قسمت سوم فعل بیاید فعل کمکی محسوب می‌شود و در حالت منفی **hasn't** می‌شود.

۲۷۹. پاسخ صحیح **isn't he** است.
من شنیده‌ام او مریض است، مگه نه؟

I've heard he's sick, isn't he?

نکته: نظرات شخصی در سؤال انتهایی استفاده نمی‌شود. یعنی **he's sick** قسمت اصلی است.

۲۸۰. پاسخ صحیح **is it** است.
موضوع جدی نیست، هست؟

It isn't → is it?

۲۸۱. پاسخ صحیح **aren't they** است.
آنها قصد دارند این جا را ترک کنند، مگه نه؟

They are → aren't they?

۲۸۲. پاسخ صحیح **isn't it** است.
این نمی‌تونه درست باشه، مگه نه؟

This cannot → can it?

۲۸۳. پاسخ صحیح **does he** است.
هرگز با بی‌احتیاطی رانندگی نمی‌کنه، مگه نه؟

نکته: چون **never** حالت منفی دارد در قسمت انتهایی از مثبت استفاده می‌کنیم. با توجه به **drives** از فعل **does** استفاده می‌شود.

۲۸۴. پاسخ صحیح **didn't they** است.
دانش‌آموزان دیر آمدند، مگه نه؟

نکته: چون **came** زمان گذشته است، در قسمت انتهایی از فعل **didn't** استفاده می‌کنیم. معادل **the students** ضمیر جمع **they** است.

۲۸۵. پاسخ صحیح **didn't she** است.
مینا به خودش صدمه زد، مگه نه؟

نکته: هر فعلی که در سوم شخص **s** یا **es** نداشته باشد، زمان گذشته است. در قسمت انتهایی از فعل **didn't** به همراه ضمیر **Mina** یعنی **she** استفاده می‌شود.

۲۸۶. پاسخ صحیح **did** است.
او هیچ کاری برای کمک به آنها انجام نداد، مگه نه؟



۲۰۷. پاسخ صحیح گزینه d است.
رضا کتاب را با دقت خواند، مگه نه؟

نکته: چون read زمان گذشته است (به دلیل نداشتن s یا es) از فعل گذشته به همراه ضمیر فاعلی استفاده می‌شود.

۲۰۸. پاسخ صحیح گزینه c است.
او در تلفظ کلمات مشکل دارد، مگه نه؟

نکته: با توجه به فعل has که فعل اصلی و زمان حال ساده است، از فعل منفی doesn't استفاده می‌شود.

۲۰۹. پاسخ صحیح گزینه a است.
افراد پلیس هرگز پول دزدیده شده را در سرقت پیدا نکردند، مگه نه؟

نکته: با توجه به منفی بودن جمله به دلیل کلمه never و زمان گذشته فعل found از حالت مثبت زمان گذشته استفاده می‌شود. چون police اسم جمع است از ضمیر they استفاده می‌شود.

۲۱۰. پاسخ صحیح گزینه b است.
دانش‌آموزان زیادی در کلاس درس وجود داشتند، نداشتند؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی را منفی می‌آوریم و there با مشتقات فعل be می‌آید.

۲۱۱. پاسخ صحیح گزینه c است.
یکی از دخترها خیلی جدی کار می‌کند، این طور نیست؟

نکته: ضمیر مناسب برای یکی از دخترها she است و چون جمله حال ساده است، از فعل doesn't استفاده می‌شود.

۲۱۲. پاسخ صحیح گزینه b است.
سخت (خیلی جدی) تمرین کردن انگلیسی شما را بهبود می‌بخشد، این طور نیست؟
practicing very hard=it

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی منفی می‌آید (حذف گزینه‌های a و c) و سخت تمرین کردن معادل it است.

۲۱۳. پاسخ صحیح گزینه d است.
کتابی که شما خواندید خیلی خوب بود، مگه نه؟

نکته: فعل اصلی جمله is است و به همین دلیل در قسمت انتهایی isn't می‌آید.

The book (you read) is

۲۱۴. پاسخ صحیح گزینه a است.
اگر باران نیاید، ما بیرون خواهیم رفت، نخواهیم رفت؟

نکته: در جملات شرطی، دُم‌سوالی مربوط به پاسخ شرط می‌شود نه قسمت شرط. چون will مثبت است در قسمت انتهایی از won't استفاده می‌کنیم. قسمت انتهایی همیشه از یک فعل و ضمیر تشکیل می‌شود.

نکته: چون قسمت انتهایی به شکل مثبت گذشته آمده فعل جمله اصلی به شکل didn't do می‌آید که بیانگر زمان گذشته ساده است.

295. Tom speaks English very fast, doesn't he?

296. The class begins at eight, doesn't it?

297. The school library is open, isn't it?

298. We can't speak Arabic well, can we? Or: We can speak Arabic well, can't we?

299. They won't invite us, will they?

۲۰۰. پاسخ صحیح گزینه c است.
عمه علی به خودش آسیب رساند، مگه نه؟

نکته: چون فعل hurt زمان گذشته است، در قسمت انتهایی از didn't به همراه ضمیر she استفاده می‌شود. (نداشتن s یا es در سوم شخص مفرد بیانگر گذشته ساده است.)

۲۰۱. پاسخ صحیح گزینه a است.
او معمولاً هنگام شب تلویزیون تماشا می‌کند، این طور نیست؟

نکته: چون جمله بیانگر حال ساده است، در قسمت انتهایی از doesn't به همراه she استفاده می‌شود.

۲۰۲. پاسخ صحیح گزینه b است.
او هرگز به خارج نرفته، مگه نه؟

نکته: با توجه به قید منفی never و فعل کمکی has از has she استفاده می‌کنیم.

۲۰۳. پاسخ صحیح گزینه b است.
آن‌ها پیش ما خواهند ماند، این طور نیست؟

نکته: با توجه به فعل کمکی will و ضمیر فاعلی they در قسمت انتهایی از حالت منفی فعل will یعنی won't استفاده می‌شود.

۲۰۴. پاسخ صحیح گزینه a است.
خواهر شما ناهار را در ساعت ۱۲ خورد، نخورد؟

نکته: با توجه به فعل گذشته had از didn't و ضمیر فاعلی متناسب با your sister استفاده می‌شود. (your sister = she)

۲۰۵. پاسخ صحیح گزینه b است.
حمید به‌ندرت شلوار چین می‌پوشد، مگه نه؟

نکته: با توجه به قید تکرار منفی rarely در قسمت انتهایی از حالت مثبت استفاده می‌کنیم. در سؤالات ضمیمه هیچ‌گاه از اسم خاص (Hamid) استفاده نمی‌کنیم. چون جمله حال ساده و سوم شخص است، از does استفاده می‌کنیم.

۲۰۶. پاسخ صحیح گزینه d است.
آن‌ها مجبورند صبح زود بیدار شوند، مگه نه؟

نکته: با توجه به فعل have to که فعل اصلی و زمان حال ساده است از فعل منفی don't استفاده می‌شود.



۲۱۵. پاسخ صحیح گزینه a است.

مینا هرگز خوب آشپزی نمی کند، مگه نه؟

نکته: با توجه به منفی بودن جمله (never) و حال ساده بودن فعل (cooks) از does she استفاده می کنیم. توجه داشته باشید که در دم سؤالی هیچ گاه از اسم خاص (Mina) استفاده نمی کنیم. قسمت انتهایی همیشه از یک فعل و ضمیر تشکیل می شود.

۲۱۶. پاسخ صحیح گزینه d است.

این فرهنگ لغت شماست، نیست؟

نکته: چون جمله مثبت است قسمت انتهایی را منفی می آوریم و به جای this از ضمیر it استفاده می کنیم.

۲۱۷. پاسخ صحیح گزینه d است.

آنچه که شما گفتید کاملاً درست است، نیست؟

نکته: آنچه که شما گفتید (what you said) معادل it است و با توجه به is در قسمت انتهایی از isn't استفاده می شود.

۲۱۸. پاسخ صحیح گزینه a است.

نامه توسط پدرم دو روز پیش پست شد.

نکته: با توجه به ساختار جمله که بیانگر مجهول گذشته ساده است was / were + p.p. صحیح است.

۲۱۹. پاسخ صحیح گزینه b است.

وقتی شش سال داشتم به من آموخته شد پینگ پنگ بازی کنم.

نکته: با توجه به این که جمله گذشته ساده است، was / were + p.p. استفاده می شود. نبودن مفعول بعد از فعل اصلی بیانگر مجهول بودن جمله است.

۲۲۰. پاسخ صحیح گزینه d است.

الف: آن ها زباله ها را چه ساعتی در شب جمع آوری می کنند؟

ب: زباله پیرامون ساعت ۹ جمع آوری می شود.

نکته: تنها گزینه مجهول گزینه d است که بیانگر حال ساده مجهول است.

۲۲۱. پاسخ صحیح گزینه d است.

یک ساختمان جدید در همسایگی وجود دارد. کارگران آن را خوب ساخته اند.

نکته: چون جمله هم فاعل دارد و هم مفعول پس معلوم است. تنها گزینه معلوم گزینه a است.

۲۲۲. پاسخ صحیح گزینه b است.

پنی سیلین توسط الکساندر فلمینگ خیلی سال ها پیش کشف شد.

نکته: جمله بیانگر گذشته ساده مجهول (ago) است پس از was / were + p.p. استفاده می شود. حرف اضافه by به همراه کننده کار بیانگر مجهول بودن جمله است.

۲۲۳. پاسخ صحیح گزینه b است.

حافظ یکی از مشهورترین شاعران همه زمان ها شناخته شده است.

نکته: «شناخته شده» بیانگر مجهول بودن است. چون بعد از جای خالی مفعول نیامده است، جمله مجهول است. تنها یک گزینه مجهول است.

توضیح: برای بیان حقایق از حالت ساده استفاده می شود.

۲۲۴. پاسخ صحیح گزینه d است.

الف: مشکل چیست؟

ب: پنجره ها توسط پسر ها شکسته شده اند.

نکته: حرف اضافه by به همراه کننده کار بیانگر حالت مجهول است و تنها گزینه مجهول have been + p.p. است.

۲۲۵. were killed: سه نفر در تصادف اتومبیل در هفته گذشته کشته شدند. چون قید جمله (هفته گذشته) دلالت بر زمان گذشته دارد و فعل جمله مفعول ندارد پس جمله گذشته ساده مجهول است.

۲۲۶. (has been discovered): یک داروی جدید توسط پزشک ها برای درمان آن از ماه گذشته کشف شد. با توجه به قید since که بیانگر حال کامل است و حرف اضافه by به همراه کننده کار، جمله حال کامل مجهول یعنی has been + p.p. است.

۲۲۷. is spoken: فارسی در ایران، تاجیکستان و افغانستان صحبت می شود.

نکته: با توجه به مفهوم، جمله بیانگر مجهول (حال ساده) است.

۲۲۸. was broken: پنجره دیروز توسط آن پسر شکسته شد.

نکته: با توجه به قید yesterday و با توجه به حرف اضافه by به همراه کننده کار، جمله گذشته ساده مجهول است.

۲۲۹. پاسخ صحیح گزینه c است.

خواهر علی هفته گذشته تصادف کرد، نکرد؟

نکته: چون جمله مثبت است، قسمت انتهایی منفی می آید و چون زمان گذشته است، didn't به همراه ضمیر فاعلی she (یعنی خواهر علی) می آید.

۲۳۰. پاسخ صحیح گزینه c است.

خواهر آن ها یک لباس با قیمت پایین خرید، مگه نه؟

نکته: چون جمله مثبت است، قسمت انتهایی منفی می آید و چون زمان گذشته است، didn't به همراه ضمیر فاعلی their sister (یعنی she) می آید.

۲۳۱. پاسخ صحیح گزینه d است.

زیلا وقتی غمگین است هرگز یک کلمه حرف نمی زند، مگه نه؟

نکته: با توجه به قید تکرار منفی never قسمت انتهایی مثبت می آید و چون جمله بیانگر حال ساده است، فعل does استفاده می شود.

۲۳۲. پاسخ صحیح گزینه b است.

آن ها یک خانه جدید خواهند ساخت، این طور نیست؟

جمله بیانگر زمان آینده و مثبت است، پس در قسمت انتهایی فعل منفی won't می آید.



Roya: You prefer team sports more, don't you?

Mina: Well, it seems to be OK. But honestly, I like less active sports like chess.

Roya: Oh, I see.

رویا: ما جمعه به باشگاه می‌ریم. مینا، با ما می‌آی؟

مینا: فکر نکنم.

رویا: تو ورزش را دوست نداری، مگه نه؟

مینا: در واقع نمی‌دونم. فکر کنم به نوع ورزش بستگی داره.

رویا: تو ورزش‌های تیمی را ترجیح می‌دی، مگه نه؟

مینا: خب، به نظر می‌رسه خیلی خوب باشه. اما صادقانه بگم من ورزش‌های کم‌تحرک‌تر مثل شطرنج را دوست دارم.

رویا: اوه، متوجهم.

339. They are going to the gym.

340. Because she likes less active sports.

Listening

سارا برای یک هفته در مرکز پزشکی بچه‌ها بوده است. او به آنفولانزای بدی مبتلا شده است. دکتر به او گفت که آن‌جا بماند تا بهتر شود. تصویر یک پیرمرد بر روی دیوار وجود دارد. وقتی که پرستار مشغول گرفتن دمای او است، آن‌ها شروع به صحبت می‌کنند.

ببخشید، آن مردی که در تصویر است کیست؟

پرستار: آیا اورانمی‌شناسی؟ آیا تا به حال (اسم) دکتر محمد قریب را شنیده‌ای؟
سارا: من فکر می‌کنم فقط اسمش را در کتاب انگلیسی‌ام دیده‌ام، اما درباره آن مطمئن نیستم.

پرستار: دکتر قریب پزشک مشهوری بود.

آیا می‌توانی کمی درباره زندگی او بگویی؟

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد.

بعد از اخذ (گرفتن) دیپلم، او به خارج رفت تا پزشکی بخواند.

در سال ۱۳۱۶ او پزشک شد و به زادگاهش برگشت.

در سال ۱۳۴۷، این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان صمیمیش (نزدیکش) تأسیس شد.

سارا: واقعا؟ من این را نمی‌دانستم.

پرستار: دکتر قریب همچنین مرد سخاوتمندی بود.

او از هیچ کوششی برای درمان بچه‌های مریض دریغ نمی‌کرد.

او با خانواده‌های فقیر دوست و یاری‌رسان بود.

جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک متعهد مورد توجه بود.

سارا: حیف شد! چنین مرد بزرگی را نمی‌شناختم.

پرستار: او همچنین به عنوان یک استاد برجسته دانشگاه شناخته شده بود.

اولین کتاب درسی ایرانی درباره بیماری‌های بچه‌ها توسط او نوشته شد.

او پزشکی را به هزاران دانشجو آموزش می‌داد.

سارا: اوه! چه مرد بزرگی بوده!

پرستار: راستی، شاید جالب باشد که بدانید پزشک شما یکی از شاگردان دکتر قریب بوده است!

341. Medical

342. temperature

343. heard

344. famous

345. born

346. abroad

347. founded

348. generous

349. friendly

350. university

351. diseases

352. medicine

353. interesting

۲۲۲. پاسخ صحیح گزینه b است.

خواهرتان امتحان را پاس کرده است (قبول شده است)، مگر نه؟

نکته: چون جمله مثبت است و فعل کمکی has را دارد، در قسمت انتهایی hasn't می‌آید. معادل your sister ضمیر فاعلی she است.

۲۲۴. پاسخ صحیح گزینه b است.

حمید کلمه بدی نمی‌گوید، مگر نه؟

نکته: چون جمله منفی است (doesn't) قسمت انتهایی را مثبت می‌آوریم.

Listening

A: Sam has not come to work. I heard he's sick, isn't he?

B: Oh, yes. He was not well yesterday

A: What's wrong with him?

B: The doctors are checking his health condition.

A: It isn't something serious, is it?

B: I hope not.

الف: سم سرکار نیامده است. من شنیدم او مریضه، مگه نه؟!

ب: اوه، بله. او دیروز حالش خوب نبود.

الف: مشکلش چیه؟

ب: دکترها دارن شرایط سلامت او را بررسی می‌کنن.

الف: چیز خیلی جدی نیست، مگه نه؟

335. Because he is sick.

336. They are checking his health condition.

Listening

Behzad: How's everything, Amin? You seem to be busy these days, don't you?

Amin: I'm OK Behzad. I'm working on a new project. I'm really tired.

Behzad: But your health is really important, isn't it?

Amin: I know. But what about work, money, responsibility, ... ? We need to consider them all, don't we?

Behzad: Yes, but health is on top of everything.

بهزاد: چطوری امین؟ به نظر می‌رسه این روزها سرت شلوغه، مگه نه؟

امین: من حالم خوبه بهزاد. دارم روی یک پروژه جدید کار می‌کنم. واقعا خسته‌ام.

بهزاد: اما سلامتی خیلی مهمه، مگه نه؟

امین: من می‌دونم. اما کار، پول و مسئولیت چه‌طور؟ ما باید همه آن‌ها را در نظر بگیریم، مگه نه؟

بهزاد: بله، سلامتی در رأس همه چیز است.

337. He is working on a new project.

338. Health is the most important thing of all.

Listening

Roya: We are going to the gym on Friday. Will you come with us, Mina?

Mina: I don't think so.

Roya: You don't like sports, do you?

Mina: Actually, I don't know. I think it depends on the type of sport.

۲۸۹. and: علی یک کت جدید خرید و آن را به مدت دو سال پوشید.

ترجمه

امین دانش آموز خوبی است و به مدرسه‌های نزدیک خانه‌شان می‌رود. او می‌تواند با تاکسی یا پیاده به خانه بیاید. او معمولاً به موقع برمی‌گردد، ولی او دیروز دیر بازگشت به‌خاطر این‌که یکی از دوستانش مریض شد در نتیجه امین منتظر ماند تا پدر دوستش برسد.

390. and

392. but

391. or

393. so

ترجمه

معلم‌ان هر روز جدی کار می‌کنند تا مطمئن شوند شما درس‌هایتان را آموخته‌اید، در نتیجه آن‌ها سزاوار احترام شما هستند. شما باید به ارزش‌های آن‌ها احترام بگذارید و به آن‌ها بگویید به‌خاطر کمک‌شان سپاسگزارشان هستید. شما ممکن است گاهی مهربانی‌شان را فراموش کنید، اما باید به‌خاطر داشته باشید که آن‌ها مثل والدین‌تان شخصیت شما را شکل دادند. با آن‌ها تا وقتی هنوز پیرامونتان هستند رفتار خوبی داشته باشید در غیر این صورت روزی متأسف خواهید شد.

394. so

396. but

395. and

397. or

توضیح: or هم می‌تواند برای انتخاب بیاید و هم برای شرط.

۲۹۸. and: من صبح زود بیدار می‌شوم، و برای خودم املت درست می‌کنم.

۲۹۹. or: ما می‌توانیم در رستوران بخوریم یا می‌توانیم در خانه بخوریم.

۴۰۰. but: آن‌ها می‌خواستند به شما تلفن بزنند، اما شماره تلفن شما را نداشتند.

۴۰۱. so: آن فرهنگ لغت گران است، در نتیجه آن‌ها نمی‌توانند آن را بخرند.

۴۰۲. but: سپیده اسپاگتی دوست دارد اما مادر بزرگش از اسپاگتی متنفر است.

۴۰۳. so: این کفش‌ها راحت نیستند، در نتیجه آن‌ها را نخواهم خرید.

۴۰۴. and: آن‌ها به رستوران رفتند و غذا سفارش دادند.

۴۰۵. or: ما می‌توانیم با اتوبوس برویم، یا می‌توانیم تاکسی سوار شویم.

۴۰۶. and: من صبح زود بیدار شدم و املت درست کردم.

۴۰۷. but: برف در خیابان وجود دارد، اما هوا خیلی سرد نیست.

۴۰۸. and: ما به رستوران رفتیم و غذا سفارش دادیم.

۴۰۹. so: آن واژه‌نامه گران است، در نتیجه من نمی‌توانم آن را بخرم.

ترجمه

دکتر اسدی در حال پاسخ‌دادن به این سؤال مهم است: «چرا مهم است مراقب بزرگسالان خود باشیم؟» من فکر می‌کنم اول از همه (مهم‌تر از همه) باید به‌خاطر داشته باشیم آن‌ها مادران و پدران ما و اولین معلم‌ان ما هستند. آن‌ها به ما یاد می‌دهند که چگونه عشق بورزیم، چگونه مراقبت کنیم، چگونه ببخشیم و چگونه بپذیریم. ثانیاً بزرگسالان دانش و خرد بیشتری نسبت به ما دارند. آن‌ها به این جا رسیده‌اند و چیزهای زیادی آموخته‌اند، ما مسئولیت داریم از خرد آن‌ها بیاموزیم. اما مهم‌ترین چیز تجربیات آنان است. ما ممکن است بدانیم یا ندانیم که آن‌ها با چه فراز و فرودهایی در زندگی مواجه شده‌اند، اما قطعاً تجربه‌ای را به‌دست آورده‌اند که که ارزش احترام گذاشتن و یادگیری را دارد. بزرگان ما ممکن است درد زیادی را از ما مخفی کنند چون آن‌ها نمی‌خواهند ما درد را احساس کنیم، کمترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که از آن‌ها بابت کارهایی که کرده‌اند قدر دانی کنیم و از بصیرت‌شان در موقعیت‌ها بیاموزیم. با این حال، یک مسئله مهم دیگر میراث و فرهنگ ماست. ما باید چیزهای زیادی در مورد میراث خود از والدین‌مان یاد بگیریم. این میراث و تاریخ احساس تعلق خاطر را به ارمغان می‌آورد. از همه مهم‌تر، این به ما احساس هویت گذشته ما و مسئولیت محافظت از آن را برای نسل‌های آینده‌مان می‌دهد.

۲۵۴. and: ما دیروز به پارک رفتیم و وقت شگفت‌انگیزی داشتیم.

۲۵۵. but: خانواده به‌تمام هفته گذشته به باغ وحش رفت، اما آن‌ها لذتی از آن نبردند.

۲۵۶. but: سوسن یک لباس صورتی دارد، اما هرگز آن را نمی‌پوشد.

۲۵۷. but: کیت سوفیا را دید، اما با او صحبت نکرد.

۲۵۸. but: کلاس انگلیسی من واقعاً لذت‌بخش است، اما تکالیف زیادی دارم.

۲۵۹. so: مادرم فست‌فود را دوست ندارد، در نتیجه هیچ فست‌فودی نمی‌خورد.

۲۶۰. or: من می‌توانم امشب بیرون بروم یا استراحت کنم.

۲۶۱. or: ما می‌توانیم ناهارمان را در رستوران بخوریم یا می‌توانیم در خانه بخوریم.

۲۶۲. so: آن واژه‌نامه گران است در نتیجه نمی‌توانم آن را بخرم.

۲۶۳. so: این لباس راحت نیست در نتیجه او به‌ندرت آن را می‌پوشد.

364. Joseph is very busy today, so he cannot watch TV.

جوزف امروز خیلی سرش شلوغ است در نتیجه او نمی‌تواند تلویزیون تماشا کند.

365. My brother has a lot of books, but he never reads them.

برادر من کتاب‌های زیادی دارد ولی هرگز آن‌ها را نمی‌خواند.

366. We should do a lot of homework, but we don't have enough time.

ما باید تکالیف زیادی را انجام دهیم، اما زمان کافی نداریم.

367. Sepideh likes spaghetti, but her grandmother hates it.

سپیده اسپاگتی (ماکارونی) را دوست دارد ولی مادر بزرگش از آن متنفر است.

368. You can buy this coat, or you can buy those shoes.

شما می‌توانید این کت را بخرید یا می‌توانید آن کفش‌ها را بخرید.

369. I like learning Chinese, but I hate learning Arabic.

من یادگیری زبان چینی را دوست دارم ولی از یادگیری عربی بدم می‌آید.

370. These shoes are not comfortable, so I can't wear them.

این کفش‌ها مناسب نیستند در نتیجه من آن‌ها را نمی‌پوشم.

371. You must study well, and you must pass all the exams.

شما باید جدی مطالعه کنید و (شما باید) همه امتحان‌ها را پاس کنید.

372. I like swimming, but I dislike running.

من شنا را دوست دارم ولی از دویدن بدم می‌آید.

373. You can install a mobile dictionary, or you can use a pocket dictionary.

شما می‌توانید یک فرهنگ لغت را نصب کنید یا می‌توانید از یک فرهنگ جیبی استفاده کنید.

۲۷۴. but: خانم تهرانی ماهی را دوست دارد، اما مادر بزرگش از آن نفرت دارد.

۲۷۵. so: این کفش‌ها راحت نیستند، در نتیجه من آن‌ها را به‌ندرت می‌پوشم.

۲۷۶. and: آن زن ظرف‌ها را شست و دخترش آن‌ها را خشک کرد.

۲۷۷. or: شما می‌توانید این دفترچه را چک کنید، یا ممکن است وب‌سایت ما را ببینید.

۲۷۸. so: سحرخیز باش تا کامروا شوی، در نتیجه اگر می‌خواهی موفق بشوی بیدار شو و زود شروع به کار کن.

۲۷۹. and: او خانه خرید، شغلی پیدا کرد و سال گذشته مدرسه‌ای برای بچه‌هایش انتخاب کرد.

۲۸۰. but: لیوان روی (کف) زمین افتاد اما نشکست.

۲۸۱. or: شما می‌توانید (پول) را الان بپردازید یا وقتی نقاشی شما را تمام کردم.

۲۸۲. or: شما می‌توانید یک پیراهن بخرید یا در پולتان صرفه‌جویی کنید.

۲۸۳. so: در خانه چیزی برای خوردن نبود در نتیجه من به رستوران رفتم.

۲۸۴. but: دوستم مشکلات زیادی داشت اما چیزی به من نگفت.

۲۸۵. and: او چندین کتاب برای بچه‌ها نوشت و کتاب‌های داستان بسیاری را ترجمه کرد.

۲۸۶. or: او می‌تواند یک فرهنگ لغت بخرد یا آن را از کتابخانه قرض بگیرد.

۲۸۷. so: هیچ نانی در خانه وجود نداشت، در نتیجه مادرم رفت بیرون تا کمی (نان) بخرد.

۲۸۸. but: خواهرم سیب دوست دارد ولی از موز متنفر است.



420. It can lead not only to great personal happiness but also to respect from others who appreciate the work you do.

421. The important point is that we continue to give to those who are more in need than ourselves.

422. advantage

423. True

424. True

ترجمه

اندازه و شکل گوش‌های شما بیشتر از هر قسمت دیگر از صورت شما بیانگر شخصیت شماست. بخش‌های دیگر صورت هر چه سن بالاتر می‌رود تغییر شکل می‌دهد اما گوش‌ها شکلشان تغییر نمی‌کند. آن‌ها فقط اندازه‌شان تغییر می‌کند. خواندن شخصیت مردم از طریق چشم‌هایشان یک علم بسیار قدیمی است. در گذشته مردم فکر می‌کردند یک شخص با گوش‌های قرمز خطرناک است. آن‌ها همچنین فکر می‌کردند شکل گوش‌ها بیانگر موسیقایی بودن و نبودن است. امروزه نیز بسیاری از مردم اعتقاد دارند که اندازه و شکل گوش‌ها به شما کمک می‌کند که بدانید یک شخص موسیقایی است. گوش‌های همه متفاوت هستند و هر چیز متفاوتی یک معنی دارد.

دفعه بعد که به شخصی نگاه کردین ببینید گوش‌های او بزرگ، سایز متوسط یا کوچک است. به نرمه‌های گوش نگاه کنید. گوش‌هایی که همیشه قرمز هستند به این مفهوم است که که شخص ممکن است به آسانی عصبانی شود. گوش‌هایی که همیشه سرد هستند و تقریباً به رنگ سفید به این مفهوم است که شخص یک شخصیت عصبی دارد.

۴۲۵. (d): گوش‌های ما تغییر شکل ندارند.

۴۲۶. (c): او ممکن است به آسانی عصبانی شود.

۴۲۷. (b): اندازه، رنگ و شکل.

۴۲۸. (a): وقتی آن‌ها سرد هستند.

کتاب کار

درس اول

ترجمه

این برای ما خیلی مهم است که به افراد مسن احترام بگذاریم. همچنین مهم است که به یاد داشته باشیم افراد سالمند، سالمند به دنیا نیامده‌اند، آن‌ها مثل ما کودک بوده‌اند و اکنون پا به سن گذاشته‌اند. از این رو چند سال دیگر ما نیز پا به سن خواهیم گذاشت. اگر امروز ما به آن‌ها احترام بگذاریم، نسل‌های حال و آینده ما نیز این ارزش‌ها را ادامه خواهند داد و خواهند آموخت زمانی که ما سالمند شدیم به ما احترام بگذارند.

429. Yes, we should.

430. "They" refers to the elders.

431. Our present and future generations will learn not to respect us when we grow older.

ترجمه

افراد سالمند چیزهای زیادی دارند تا با ما به اشتراک بگذارند تجربه‌های زندگی آن‌ها، شکست‌هایشان، موفقیت‌هایشان و چیزهای بیشتر. بنابراین ما باید از آن‌ها مراقبت کنیم زیرا آن‌ها سزاوار مراقبت هستند. احترام و مراقبت افراد مسن با والدین ما شروع می‌شود زیرا آن‌ها اولین معلمان ما در زندگی‌مان هستند.

432. They can share their life experiences, their failures, their successes and many more with us.

آنچه در پایان می‌توانم اضافه کنم نقش اخلاق، ارزش‌ها و اصول والدین در زندگی ما است. بزرگان ما مجموعه‌ای از اخلاق، ارزش‌ها و اصول را در زندگی خود آموخته‌اند، آفریده‌اند یا پرورش داده‌اند. بزرگان ما بهترین چیزها را برای ما می‌خواهند و آن‌ها مایلند به ما بگویند چه مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها آن‌ها را موفق و به‌طور امیدبخشی آرام کرده است.

410. Because they are our mothers and fathers, and our first teachers.

411. "They" refers to our fathers and our mothers.

412. Because it brings a sense of belonging.

413. We have to protect them for our future generations.

414. They are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful.

ترجمه

پروفسور محمود حسابی در تهران متولد شد. وقتی هفت سالش بود، خانواده‌اش از ایران به لبنان رفتند. در سن ۱۷ سالگی، دیپلمش را در بیروت گرفت. بعداً، مدرک کارشناسی مهندسی عمران را همزمان با کار به عنوان نقشه‌کش گرفت. او از دانشکده مهندسی بیروت فارغ‌التحصیل شد. دکتر حسابی در سیستم راه‌آهن ملی فرانسه کار کرد. او به تحقیقاتش درباره فیزیک در دانشگاه سوربون فرانسه ادامه داد و مدرک دکتری فیزیک را از آن دانشگاه در سن ۲۵ سالگی گرفت. پروفسور حسابی دانشمندی متعهد بود که کارهای مهمی برای پیشرفت کشورمان، ایران، انجام داد. او دانشگاه تهران و همچنین اولین رصدخانه مدرن را در ایران تأسیس کرد. پروفسور حسابی را پدر علم فیزیک در ایران می‌نامند. او چه بزرگ‌مردی بود.

415. He received his diploma at the age of 17.

416. No, he received his B.A. after getting his diploma.

417. False

418. True

419. True

ترجمه

تعدادی از مردم ترجیح می‌دهند کمک و پشتیبانی مستقیم برای آن‌هایی که نیاز دارند فراهم کنند. هرچند، دیگران دوست دارند که به سازمان‌های خیریه ملی و بین‌المللی پول بدهند. دادن پول به آن‌هایی که نیاز دارند می‌تواند شخصاً تجربه خوبی باشد، اما یک انتخاب بین اهدای پول از طریق خیریه‌ها به صورت ملی و بین‌المللی و یا دادن مستقیم به آن‌هایی که دور و بر شما هستند وجود دارد. یکی از مزایای فراهم کردن چنین پشتیبانی این است که شما می‌توانید دقیقاً بدانید که پولتان چگونه هزینه شده است. مزیت دیگر این است که شما می‌توانید تأثیرات آن‌ها را بر روی افرادی که به آن‌ها کمک می‌کنید، ببینید که این (امر) نه تنها می‌تواند به شادی شخصی زیادی منجر شود، بلکه همچنین به احترام از جانب کسانی که کاری را تحسین می‌کنند، منجر می‌شود.

مزایایی برای اهدا به خیریه‌های ملی و بین‌المللی وجود دارد. اولین و بهترین آن کمک کردن به مشکلاتی است که اهمیت بین‌المللی دارد. مثل درمان بیماری‌ها و حقوق انسانی یا کمک کردن به آن‌هایی که در رویدادهای محیط‌زیستی مثل زلزله‌ها و سیل‌ها هستند.

در پایان یک شخص باید انتخابش را در کمک به دیگران داشته باشد. نکته مهم این است که ما به کمک کردن به کسانی که نیاز بیشتری به کمک نسبت به خودمان دارند، ادامه دهیم.

